

## تحلیل گفتمانی سیاستگذاری فرهنگی دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی ایران در حوزه آموزش عالی

سعید پورعلی<sup>۱</sup>

عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی

داود فیروزی

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۳ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۵

### چکیده

پژوهش حاضر تلاش دارد تا تحلیل گفتمانی از سیاستگذاری فرهنگی دولت‌های نهم و دهم جمهوری اسلامی در حوزه آموزش عالی و نسبت سنجی آن با نظم گفتمانی آموزش عالی ارائه کند. برای سامان گرفتن پژوهش از گفتمان و تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش استفاده شده تا به استناد نتایج، به این سوال پاسخ دهیم که گفتمان حاکم بر سیاستگذاری فرهنگی دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی ایران در حوزه آموزش عالی چه نسبتی با نظم گفتمانی آموزش عالی دارد؟ از جمله مهم ترین نتایج پژوهش حاضر این است که سیاستگذاری فرهنگی در آموزش عالی نباید با نظم گفتمانی دانشگاهی حاکم بر میدان علم و نهاد دانشگاه ناسازگار باشد و با تاکید بر ناسازگاری قابلیت دسترسی و قابلیت اعتبار می‌توان ادعا کرد گفتمان دولت نهم و دهم با محوریت دال اسلامی شدن دانشگاه و تاکید بر رویکرد اجرایی و مدیریتی برای تحقق آن علیرغم قابلیت دسترسی؛ نتوانست در دانشگاه از اعتبار لازم برخوردار شود.

**واژگان کلیدی:** سیاست گذاری، گفتمان هژمون، سیاست گذاری فرهنگی، آموزش عالی، نهادهای

حکومتی

## ۱- بیان مساله

موضوع اصلی این پژوهش، تحلیل گفتمانی سیاستگذاری فرهنگی دولت‌های نهم و دهم جمهوری اسلامی ایران در حوزه آموزش عالی که به لحاظ زمانی دوره هشت ساله ۱۳۹۲-۱۳۸۴ را در بر می‌گیرد و نسبت سنجی آن با نظم گفتمانی آموزش عالی است. برخی از دولت‌ها با باور به کنترل پذیری وامکان بهره‌مندی از توانمندی‌های عرصه فرهنگ به مثابه نیروی اجتماعی دست به دخالت و ساخت و ساز در این عرصه در چهارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی می‌زنند. این دخالت‌ها سبب ساز تغییر و تحولات در عرصه فرهنگ می‌شود. دولت نهم و دهم هم از این قاعده مستثنا نبود. این دولت در طی مدیریت اجرایی هشت ساله بر اساس تفسیر خویش از اسناد بالا دستی و تصویب بخشنامه، سیاست و سیاست‌گذاری‌های ناظر بر حوزه فرهنگ تلاش برای کنترل، نظارت و اعمال دخالت‌هایی در فرهنگ عمومی، حوزه تولید و مصرف محصولات فرهنگی (سینما، تئاتر، کتاب و ...)، آموزش و پرورش و آموزش عالی داشت. به چند دلیل تمرکز مقاله به سمت آموزش عالی گرایش یافت: گستردگی و افزایش تعداد دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و تعداد دانشجویان، طرح مباحث بازنگاری در علوم انسانی و محتوی دروس، اسلامی‌سازی معرفت، و اسلامی‌سازی دانشگاه، بومی‌سازی علم، نقش دانشگاه در دگرگونی ساختار جمعیتی و طبقاتی جامعه، رویکرد انتقادی دانشگاه به مسائل فرهنگی و توانایی دانشگاه در مباحث مشروعیت‌سازی و مشروعیت زدایی.

در این مقاله برای بررسی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دولت نهم و دهم از گفتمان و تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش استفاده خواهد شد (فرهنگ علوم سیاسی: ۳۷۴، ۱۳۷۵) تا به استناد نتایج، به این سوال پاسخ دهیم که گفتمان حاکم بر سیاستگذاری فرهنگی دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی ایران در حوزه آموزش عالی چه نسبتی با نظم گفتمان آموزش عالی دارد؟

## ۲- رویکرد نظری

گفتمان به مثابه نظریه، فرهنگ را نوعی تولید دانش و معنا می‌داند. فرهنگ در برگیرنده دانش است و دانش بخشی از ذخیره فرهنگ به حساب می‌آید. هدف تولید دانش نوعی تولید فرهنگ است (رحمانی: ۲۴، ۱۳۹۳).

"زبان" یکی از "رسانه‌های" ممتازی است که معنا به واسطه آن تولید و پخش می‌شود. اعضای یک فرهنگ باید معناهای مشترکی داشته باشند. نوعی زبان و نظام بازنمایی مشترک تا بتوانند آنچه "شما" می‌گویید را به آنچه "من" درک می‌کنم و برعکس ترجمه کنند (همان ۲۱).

پس معنا، زبان و بازنمایی که در تدوین هر نوع سیاست و سیاست‌گذاری وبه ویژه سیاست و سیاست‌گذاری فرهنگی نقش محوری دارند، فرایندی که سه عنصر چیزها، مفاهیم و زبان (نشانه‌ها) را با هم پیوند می‌زند تا تولید معنا شود "بازنمایی" می‌گوییم. زبان از طریق "بازنمایی" عمل می‌کند.

بازنمایی تحت نظر قدرتی خاص و با هدف تدوین سیاست‌های مشخص، تولید و توزیع می‌شود و در کنترل سیاست‌گذار مسلط قرار دارد که مشروعیت و مقبولیت مفاهیم را تعیین می‌کند، این را که چه مفاهیمی مشروعیت می‌یابند و چه مفاهیمی مقبولیت ندارند از اختیارهای سیاست‌گذار است. به بیان دیگر می‌توان گفت که فرایند بازنمایی با روابط قدرت در آمیخته است. این فرایند به شکل رسمی ماموریت دارد تا در راستای تداوم و تقویت خواست تدوین کنندگان سیاست و سیاستگذاران به تولید معنا پردازد.

مفهوم سیاست بازنمایی، انسجام نظام گفتمانی را صرفاً از طریق سیاستگذاری ایجاد می‌کند و قدرت است که به نظام گفتمانی انسجام و صورت بندی می‌دهد (مهدی زاده: ۱۹، ۱۹، ۱۳۸۷). لذا در چارچوب نظریه گفتمان، بررسی نقش زبان<sup>۱</sup> در بازنمایی<sup>۲</sup> و ایجاد واقعیت اجتماعی یک هدف اصلی است. براساس نظریه فوق واقعیت محصول گفتمان‌هاست. البته این نظریه وجود واقعیت را نفی نمی‌کند، و معتقد است که واقعیت تنها از طریق گفتمان معنا می‌یابد (حسینی‌زاده: ۱۳۸۳، ۱۸۲) (سمتی: ۱۱، ۱۳۷۷). قدرت از طریق گفتمان سازی می‌تواند بسیاری از سیاست‌های سیاستگذاران را توجیه و طبیعی جلوه داده و همچنین برای کسب رضایت و پذیرش کسانی که سیاستگذاری برای آنان اعمال می‌شود به کار گیرد (عضدانلو: ۱۳۸۰، ۶۶).

سیاستگذاری فرهنگی نوعی پروژه گفتمانی و در راستای گفتمان مسلط اجتماعی و سیاسی است. ایجاد یک فضای گفتمانی و جهت دهی رفتارهای فرهنگی توسط این فضا یکی از مهم ترین دستاوردهای نظریه گفتمان در فهم سیاستگذاری فرهنگی است. سخن اصلی این است که یک گفتمان با ایجاد یک محور مرکزی معنایی، سامانی نظری به مفاهیم مختلف و متعدد اجتماعی، فرهنگی می‌دهد (اشتریان: ۱۳۹۱، ۱۳۰). از سوی دیگر گفتمان می‌تواند مرزهای هویتی را تصریح کند و خود و دیگری فرهنگی را در ذهن و دل یک فرهنگ نشانده و رسوب نماید و از آن برای تعریف ضدیت‌ها در جامعه و فرهنگ و سیاستگذاری فرهنگی بهره‌برداری کند (همان، ۱۳-۱۲).

لذا گفتمان می‌تواند ابزار مهمی برای تدوین سیاست و سیاستگذاری فرهنگی و چارچوبی برای فرهنگ و آموزش عالی یک کشور فراهم کند. در چارچوب سیاستگذاری فرهنگی و

نسبت سنجی بین فرهنگ و آموزش عالی، می‌توان آموزش عالی را در سه معنا به مثابه امر فرهنگی در نظر گرفت: در معنای اول می‌توان آموزش عالی را به مثابه عرصه‌ای از فرهنگ در نظر گرفت. در معنای دوم، آموزش عالی به مثابه منبع اصلی مولد دانش در نظر گرفته می‌شود، دانش نیز بخشی از قلمرو فرهنگ است. در معنای سوم نیز آموزش عالی به مثابه بخشی از فرآیند و نیروهای توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه در معنای کلان آن است. تمام سیاست‌های دولتی در حیطه آموزش عالی از جمله سیاست فرهنگی، قبل از هر چیز بیانگر دغدغه‌های دولت و حکومت در زمینه فرهنگ است (رحمانی: ۱۳۹۳، ۸).

یکی از الگوهای مطالعاتی سیاستگذاری فرهنگی، الگوی گفتمانی است. تحلیل گفتمان از زمان طرح تا به امروز انواع مختلفی داشته است. لذا برای بررسی فرآیند تدوین سیاست و سیاستگذاری فرهنگی در آموزش عالی از بین انواع نظریات تحلیل گفتمان، لاکلا و موف و فرکلاف از الگوی مطالعاتی تحلیل گفتمان انتقادی استفاده گردید.

### ۳- نظم گفتمان آموزش عالی

"نظم گفتمانی آموزش عالی و فرهنگ دانشگاهی" را می‌توان از عوامل مؤثر بر سیاست و سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی معرفی کرد. به بیان دیگر، بین عناصر و مختصات نظم گفتمانی آموزش عالی و فرهنگ دانشگاهی و تدوین سیاست و سیاستگذاری فرهنگی در آموزش عالی رابطه تنگاتنگ و کنترلی وجود دارد.

مفهوم "نظم گفتمانی"، یکی از دو بعد مهم گفتمان است که در کنار "رخ داد ارتباطی" در هر تحلیل گفتمانی اهمیت محوری دارد. نظم گفتمانی به تعبیر فرکلاف، یک نظام یا سیستم است که در قلمرو مشخص اجتماعی به کار گرفته می‌شود و متشکل از گفتمان‌های مختلف و رقیبی است که برای سیطره بر آن قلمرو با یکدیگر به منازعه و رقابت بر می‌خیزند. از جمله نمونه‌های نظم گفتمان می‌توان به نظم گفتمانی رسانه، نظم گفتمانی قضایی، نظم گفتمانی خدمات درمانی و نظم گفتمانی آموزش عالی اشاره کرد.

فرکلاف بر این باور است که هر نظم گفتمانی دارای ساختاری است که گفتمان‌های حاضر و رقیب در آن نمی‌توانند آن ساختار را نادیده بگیرند. این نظم‌های از پیش موجود به دانش، روابط و فاعلان سمت و سو و جهت می‌دهند و نقش کنترلی در قلمرو خود دارند.

بر اساس همین ویژگی، می‌توان نظم گفتمان را به مثابه "نهاد" یا به تعبیر پیر بوردیو میدان تلقی کرد. نظم گفتمانی آموزش عالی به مثابه یک "میدان" و نظم گفتمانی دانشگاه به مثابه یک "نهاد" ترکیب بندی تمامی گونه‌های گفتمانی به کار برده شده در یک "نهاد" یا "میدان اجتماعی" است (فرکلاف: ۱۹۹۵، ۶۶) (یورگنسن و فیلیپس: ۱۳۸۹، ۱۲۰).

"آموزش عالی" به مثابه یک میدان یا نظم گفتمانی و دانشگاه به مثابه یک نهاد، نظام دلالت‌گرایی دارد که می‌توان آن را از آن به عنوان فرهنگ یاد کرد. این نظام دلالت‌گر که آموختنی، اکتسابی و قابل انتقال است، حاوی ارزش‌ها، قیود، ضوابط و هنجاری است که مرزهای میدان یا نظم گفتمانی و نهاد را ترسیم می‌کند. از این نظام دلالت‌گر نشانه‌ای می‌توان با عنوان "فرهنگ دانشگاهی" یا "گفتمان دانشگاهی" یاد کرد.

"فرهنگ دانشگاهی" در برگیرنده معانی، ارزش‌های مشترک و هنجارهایی است که در فضای معنایی و نمادین خود، روال‌ها و قواعد و الگوهای اجتماعی و تعاملی متمایزی را پرورش می‌دهد که حتی به صورت آیینی و مراسمی ظاهر می‌شود (بیچر و ترولر: ۲۰۰۱، ۲۱۳) (فراستخواه: ۱۳۸۹، ۱۲۴).

این فرهنگ، بر کنش‌های دانشگاهی و اهل علم کنترل و نظارت نامرئی اعمال می‌کند. و برای تثبیت و سیطره خود روش‌های کنترلی و پاداش و تنبیه (برجسته‌سازی - حاشیه‌رانی) خاص خود را دارد (قورچیان: ۱۳۸۳، ۶۶۳-۶۶۲).

گفتمان دانشگاهی در رقابت و منازعه گفتمانی با گفتمان‌های سیاسی، اقتصادی، الهیاتی تلاش دارد سیطره و هژمونی خود را بر میدان علم تثبیت و تعمیق کند. حاکمیت مناسبات گفتمان سیاسی یا دینی بر فضای میدان علم و نهاد دانشگاه چون بر آمده از میدانی غیر از میدان علم، است منجر به شکل‌گیری پتانسیل‌های تغییر و مقاومت می‌شود. بر این اساس می‌توان ادعا کرد چنانچه گفتمان هژمون در چارچوب نظم گفتمانی آن فضا ننگند، مقاومت در برابر آن شکل می‌گیرد و این گونه نیست که گفتمان حاکم بتواند به راحتی کاربرانی مطیع و هم سو تربیت کند.

دانشگاهیان و اعضای هیأت علمی و رؤسای برآمده از آنها براساس نظم گفتمان آموزش عالی، مدافع و مروج استقلال دانشگاهی و مدیریت خود گردان دانشگاه اند. بدین صورت که جمهور دانشگاهیان خودشان مدیریت دانشگاه را به عهده دارند و نظام دانشگاهی را کنترل می‌کنند و تصمیم‌های مربوط به آن را در درون دانشگاه می‌گیرند.

فرهنگ دانشگاهی و بالندگی آن با استقلال دانشگاه گره خورده است و این فرهنگ نمی‌تواند در شرایطی رشد کند که دانشگاه به ابزاری برای حمایت و حراست فکری از منافع ثروت، قدرت و دیانت تقلیل یافته باشد.

بنابراین گفت و گو و تعامل و مراودات دانشگاه و اجتماع علمی با سایرین تنها در الگوی افقی و به دور از هرگونه تفوق و سلطه معنی دار می‌نماید، و مستلزم استقلال و آزادی آکادمیک است. با این شرحی که از نظام گفتمان آموزش عالی بیان شد، برای اسلامی کردن

دانشگاه‌ها که ایده کاملاً جدیدی نبوده و زیر مجموعه ایده مهندسی اجتماعی قرار می‌گیرد، تعابیر متفاوتی وجود داشت:

الف- نهاد تعلیم و تربیت و جامعه علمی، با معرفتی مبتنی بر مذهب و دین سامان داده شود و شناخت مذهبی بر آن حاکم شود و جامعه بر اساس این شناخت اداره شود (هاشم زهی، نوروز و همکاران: ۱۳۸۸، ۱۴).

ب- علم و فرهنگ و نهاد تعلیم و تربیت در هر جامعه می‌تواند رنگ آن جامعه را به خود بگیرد. برپایه این تفسیر، اگر علم محصول محیط اجتماعی است، چنانچه محیط اجتماعی دین و مذهب مشخصی داشته باشد، رنگ و صبغه آن دین و مذهب به علم و دانشگاه منتقل می‌شود (همان).

ج- تعبیر سوم اسلامی سازی، تبدیل دانشگاه به نظام ایدئولوژیک و هم جهت کردن آن با گرایش ایدئولوژیکی نظام سیاسی است.

رویکرد اول و سوم یعنی فقط شناخت مذهبی و مکتبی بر دانشگاه و جامعه حاکم شود و سایر شناخت‌ها و به ویژه شناخت علمی (غربی، غیر مذهبی، سکولار) مردود و محذوف شود و دانشگاه دستگاه ایدئولوژیک نظام سیاسی شود در محیط‌های دانشگاهی با چالش اساسی روبرو می‌شود (همان منبع، ۶). لذا ارزش‌های پایه ای، موضع گیری در برابر قدرت، وجود الگوی ارتباطات خاص، رقابت فکری و علمی، پیشگام بودن افراد برای نوآوری و علم پژوهی آزادانه، کاوش آزادانه و علمی در هر موضوعی و فارغ بودن "نتیجه" از ملاحظات سیاسی، اقتصادی و عقیدتی، تحمل ابهام به معنای بردباری در مقابل وضعیت نامشخص، نامعین و مبهم، تحمل تضاد، باز بودن فرهنگ دانشگاه نسبت به پذیرش وضعیت‌های تضادآمیز و شک‌گرایی در گفتمان دانشگاهی را می‌توان در چهار حوزه استاد، دانشجو متن و فضا پیگیری و معرفی نمود.

#### ۴- تحلیل گفتمانی سیاستگذاری فرهنگی دولت نهم در حوزه آموزش عالی

انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری با شعار دولت اسلامی و معرفی احمدی‌نژاد به عنوان یک فرد دانشگاهی و یک مدیر کار آمد، مضامین عمده تبلیغاتی را تشکیل می‌دادند که به پیروزی و انتخاب وی بعنوان رئیس دولت نهم منتهی شد. گفتمان سیاسی احمدی‌نژاد از مفصل بندی برخی نشانه‌های گفتمان انقلاب (به ویژه در حوزه فرهنگی و دانشگاهی) و گفتمان سنتی دهه ۱۳۶۰ حاصل شده است. در میان همه نامزدها او بر ولایت فقیه تاکید بیشتری داشت و تهاجم فرهنگی را جدی‌تر می‌گرفت.

با توجه به این که در این دوره انتخابات ریاست جمهوری احمدی‌نژاد در ذیل گفتمان اصول‌گرایی ارزیابی می‌شد، می‌توان گفت که نگاه وی به عرصه آموزش عالی نیز برگرفته از همین گفتمان بود.

اسلامی کردن دانشگاه به عنوان مهم‌ترین مراکز فرهنگی جامعه همواره یکی از دغدغه‌های اصلی گفتمان اصول‌گرایی بوده است. اصول‌گرایان دانشگاه‌ها را یکی از منفذهای هجوم فرهنگی به شمار می‌آورند و از آن به عنوان جایی که استادان غرب زده ذهنیت دینی دانشجویان جو آن را تخریب می‌کنند، نام می‌برند. تلاش برای تغییر و اصلاح متون درسی بویژه در حوزه علوم انسانی بر اساس منبع‌های دینی و زیر نظر نظارت علما، تصفیه استادان غیر مذهبی، کوشش برای جذب و تربیت استادان مذهبی همچنین تقویت نهادهای رسمی نماینده این گفتمان مانند بسیج دانشجویی و نمایندگی ولی فقیه و افزایش قدرت شورای عالی انقلاب فرهنگی از جمله برنامه‌هایی است که در راستای اسلامی کردن دانشگاه‌ها (حسینی زاده: ۱۳۸۶، ۳۹۷) در سیاست‌های فرهنگی برآمده از این گفتمان باید در چارچوب سیاستگذاری فرهنگی عملیاتی شود."

احمدی‌نژاد به عنوان یکی از طراحان اصلی انقلاب فرهنگی با برگزیده شدن به ریاست جمهوری و نشستن برکرسی ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی فرصتی بدست آورد تا پروژه ناتمام انقلاب فرهنگی را باحاکمیت گفتمان و نوع نگاه اصول‌گرایی به دانشگاه و شعار رجعت به دهه ۶۰ و ارزش‌های انقلاب اسلامی عملیاتی کند.

ترسیم نگاه گفتمان اصول‌گرایی به دانشگاه با استفاده از دال مرکزی "اسلامی سازی علم" و "اسلامی شدن دانشگاه" می‌تواند به فهم سیاستگذاری فرهنگی دولت نهم در دانشگاه کمک کند. حمایت گفتمان اصول‌گرایی و حمایت جدی آیت الله مصباح یزدی در ایام رقابت انتخابات ریاست جمهوری از دولت نهم نیز می‌تواند به بحث "اسلامی کردن دانشگاه" جنبه محوری بخشد.

برنامه چهارم توسعه که در دولت اصلاحات و با گفتمان اصلاح‌طلبی تهیه و پیشنهاد شده بود، در عرصه آموزش عالی حاوی تکالیف و وظایفی بود که همسو با نظم گفتمان آموزش عالی تلقی می‌شد. مواجهه دولت نهم با مفاد برنامه چهارم توسعه و کنار گذاشتن این برنامه با اعلام این که محتوی و مفاد این برنامه سکولاریستی و غربی است، پیگیری و اجرایی شدن برنامه را متوقف کرد (عصر ایران: ۱۳۹۰، کدخبر ۱۷۷۶۶۷). برخی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی هم در این رای که برنامه چهارم بنیان‌های غربی و سکولاریستی دارد، با رئیس جمهور همراه بودند. به بیان دیگر پس از انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری و به دلیل هم وطنی گفتمانی بین اعضای حقیقی شورا و اعضای حقوقی، هم‌افزایی در حرکت گفتمانی

شورا شکل گرفت و با قوت و قدرت حاصل از این هم افزایی، پیگیری و اجرایی سازی برنامه های چهارم که حال و هوای گفتمان اصلاحات را به همراه داشت عملاً متوقف شد. نوع نگاه جریان اصول گرا به دانشگاه می تواند تا حدودی ترسیم کننده سیاست هایی باشد که در مواجهه با دانشگاه اتخاذ می کنند.

نظم گفتمانی آموزش عالی، به دلیل قابلیت و اعتبار در نزد دانشگاهیان، توانست به عنوان گفتمان غالب در دانشگاه ها در عرصه منازعه گفتمانی بین اصول گرایی و اصلاح طلبی در عرصه دانشگاهی، مبنایی برای غیر سازی را فعال سازد. گفتمان اصلاح طلبی در چارچوب برنامه چهارم توسعه توانسته بود زنجیره هم ارزی با نظم گفتمان آموزش عالی یا گفتمان دانشگاهی شکل دهد و "ائتلاف گفتمانی" بوجود آورد. حال آن که گفتمان اصول گرایی با تفسیر اجرایی ونه معرفتی که از مفهوم "دانشگاه اسلامی" و "اسلامی سازی علم" دارد، نظم گفتمانی آموزش عالی را به "غیر" و "دیگری" خود تبدیل کرده است.

دولت نهم ذیل گفتمان اصول گرایی در رقابت گفتمان اصول گرا- اصلاح طلب، توانست پس از مجلس و شوراهای شهر دولت و بالطبع آن کرسی های حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی را در سال ۸۴ تصرف کند. کرسی های حقیقی شورا پیش از این توسط این گفتمان اشغال شده بود. با غلبه گفتمان اصول گرا در قوه مجریه و در اختیار گرفتن این قوه و تصاحب کرسی های انتخابی یا حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی و به حاشیه راندن گفتمان اصلاح طلب در عرصه کلان سیاسی کشور، این گفتمان به یکی از خاستگاه های خود، یعنی دانشگاه عقب نشینی کرده و با سیطره گفتمانی به علت قرابتی که با گفتمان آموزش عالی و دانشگاهی داشت، توانست به رقابت گفتمانی خود با گفتمان اصول گرا در محیط دانشگاهی ادامه دهد.

گفتمان اصول گرا با شناختی که از دانشگاه و نسبت آن با گفتمان اصلاح طلبی و نظم گفتمان آموزش عالی داشت، برای در اختیار گرفتن دانشگاه از همه ظرفیت های سخت افزاری و نرم افزاری در اختیار خود بهره برداری کرد تا به مقابله با گفتمان اصلاح طلب و گفتمان دانشگاهی که فرصت و اجازه مانور در محیط های دانشگاهی را به این گفتمان ها می داد، بپردازد. گفتمان اصول گرایی با در اختیار گرفتن مجلس و دولت و سپس شورای عالی انقلاب فرهنگی در منازعه و رقابت گفتمانی، توانست هم از ظرفیت تدوین قانون و سیاست در مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی استفاده کند، و هم با سیطره حاکمیت گفتمان خویش در شورای عالی انقلاب فرهنگی و تفسیرهایی که در مورد دانشگاه داشت و بر اساس قوانین مصوب شورا می خواست اجرایی کند، به بهترین نحو برای فتح دانشگاه استفاده کند. بر همین اساس بود که باروی کار آمدن دولت نهم، برخی زمزمه "انقلاب فرهنگی دوم" را سر دادند.



اتخاذ شعار "اسلامی کردن" دانشگاه در دولت نهم، حمایت شورای عالی انقلاب فرهنگی و حاکمیت را به همراه داشت. ولی دولت در اعمال سیاست‌ها برای اسلامی سازی چون به سطحی ترین تعریف یعنی "اسلامی کردن" تکیه زده بود و بر اساس این نوع نگاه که بیشتر اجرایی بود تا معرفتی، برای تحقق آن بیش از استفاده از ابزارهای نرم و معرفتی به ابزارهای سخت افزاری و قانونی و فهری روی آورد. دانشجویان ستاره‌دار، بازنشسته کردن اساتید، حذف برخی رشته‌ها، تفکیک جنسیتی، تقویت حراست و گزینش‌ها، ممنوعیت و محدودیت برای فعالیت تشکل‌های دانشجویی، بازنگری در فرآیند و مکانیسم جذب اعضای هیات علمی، بازنگری در متون، بازنگری در اختیارات دانشگاه‌ها و گروه‌های آموزشی همه به بهانه پیش برد "اسلامی شدن" دانشگاه شکل گرفت، و بعلت سیطره گفتمان اصول گرایی در همه ارکان حاکمیت، این سیاست‌ها بدون مقاومت جدی نهادهای رسمی و حاکمیتی با سرعت اعمال شد. اولین جرقه‌های های مقاومت در برابر این سیاست در درون دانشگاه‌ها زده شد و همین امر سبب شد تا به مرور منازعه گفتمانی در درون دانشگاه بالا بگردد.

محورهای این رقابت و منازعه گفتمانی، رامی توان در چهار عرصه فضا، استاد، دانشجو و متن ردیابی کرد.

#### ۴-۱- اسلامی کردن فضای دانشگاهها

در همان آغازین روزهای تشکیل دولت نهم بود که آیت... مصباح یزدی با اشاره به نقش پر اهمیت دانشگاه‌ها گفت "امروز نوک پیکان تهاجم فرهنگی و تنها امید دشمن متوجه دانشگاه هاست (مصباح یزدی، خبرگزاری دانشجویان ایران، ۲۷ آذر ۱۳۸۵).

بر اساس نظام معنایی و گفتمان اصول گرایی، اسلامی کردن دانشگاه‌ها یک دغدغه اصلی و همیشگی است، که نباید لحظه‌ای از آن غافل بود. براساس این گفتمان، اسلامی شدن دانشگاه‌ها مستلزم حاکم شدن فرهنگ بسیجی بر دانشگاه است.... بازنگری کتب درسی، فعال تر شدن نمایندگی‌های ولی فقیه و گزینش مجدد اساتید اهرم‌های کارسازی در این زمینه محسوب می‌شوند.... استادی که اعتقاد به اسلام ندارد و سر کلاس، انقلاب و ارزش‌های آن را زیر سؤال ببرد، اگر افلاطون هم باشد نباید به اعتبار این که با سواد است سر کلاس بچه مسلمان‌ها بیاید (مصباح یزدی: ۱۳۷۵، رسالت). باید استادان سست عقیده را در صورتی که نتوانند خود را با ارزش‌های اسلامی و انقلاب سازگار کنند کنار گذاشت (مصباح یزدی: ۱۳۷۵، ۲). آن کاری که باید صورت گیرد این است که کتاب‌های درسی، استادان دانشگاه‌ها، تربیت دانشجویان و برنامه‌ریزی‌ها اسلامی شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۷).

نخستین جرقه‌ها در شهریور ۱۳۸۵ یک سال بعد از به قدرت رسیدن محمود احمدی‌نژاد زده شد. درست هنگامی که رئیس دولت نهم در جمع گروهی از دانشجویان، نظام آموزشی ایران را به "صدو پنجاه سال حاکمیت سکولاریسم" متهم کرد و از دانشجویان خواست برای تغییر نظام آموزشی همکاری کنند (روز آن لاین، پنجشنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۰). دولت نهم بدون برجسته سازی نظم گفتمان آموزش عالی به ویژه استقلال دانشگاه و منطق آن که مبتنی بر پیچیدگی و حتی اسرار آمیز بودن دانش است و این ویژگی را می‌طلبد که دانشگاه از استقلال کافی برخوردار باشد و نهادها و مراجع بیرونی مانند دولت در آن مداخله نکنند، به رویارویی با این ویژگی‌ها پرداخت.

گفتمان "اصول گرایی" در بحث اسلامی سازی دانشگاه، به گونه‌ای تلاش کرد دانشگاه را به "دستگاه ایدئولوژیک" خود تبدیل سازد، که مهم ترین کارکرد آن "تولید" انسانی باشد که همسو با جهت گیری ارزشی نظام اسلامی حرکت کند. این در حالی است که نتایج یک پژوهش که به عنوان کار تحقیقی در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها انجام شده است نشان می‌دهد دانشگاهیان، اسلامی سازی دانشگاه را به عنوان پدیده‌ای در کنار دانشگاه غیر اسلامی می‌پذیرند و نه جایگزین آن (هاشم زهی: ۱۳۹۲، ۵۵).

با این تفاسیر دولت نهم پس از استقرار با تغییر رؤسای دانشگاه‌ها به سمت و سوی برجسته سازی فضای اسلامی سازی دانشگاه توسط وزیر علوم و عضو حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی حرکت کرد. گرچه تغییر رؤسا در تمام دولت‌ها متداول بوده است اما وزیر علوم، تحقیقات و فناوری دولت نهم مبنای تغییرات مدیریتی را که در نوع خود و در مقایسه با ادوار قبل بی سابقه بود، هماهنگی یا عدم هماهنگی با سیاست‌های دولت جدید معرفی کرد (زاهدی: گردهمایی معاونان دانشجویی و فرهنگی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش، ایسنا، ۲۶ شهریور ۱۳۸۴، کدخبر ۸۴۰۶-۱۱۷۰۳)

#### ۴-۱-۱- متن‌های انتخابی در مورد "فضای دانشگاه‌ها"

در مورد فضای دانشگاه‌ها پنج متن سخنرانی و مصاحبه‌های محمد مهدی زاهدی وزیر علوم دولت نهم با خبرگزاری‌ها انتخاب و تحلیل شده است (پیوست ۱).  
در متن‌های انتخابی، واژگان ایجابی اشاره به دستاوردها و آثار مثبت اعمال سیاست‌های دولت نهم در دانشگاه‌ها، و واژگان سلبی بیانگر فضای منفی سیاست زده حاکم بر دانشگاه است. واژگان ایجابی بیش از هر چیز به دانشگاه تمدن ساز، قانون گرایی و فضای علمی و گفتمان

۱- متن تمامی پیوست‌ها در دفتر مجله موجود است.

علمی تاکید دارد. واژگان سلبی به سیاست زدگی، احزاب سیاسی و تبدیل دانشگاه از یک نهاد تاثیر گذار به یک نهاد تاثیر پذیر اشاره دارد (بندهای ۱ و ۲ متن انتخابی).

در بحث قطب بندی، "ما" و "من" شامل دولت نهم و شورای عالی انقلاب فرهنگی و خود وزیر علوم است. "ما" و "من" به عنوان دولت نهم و وزیر علوم و تحقیقات تلاش مان این بود که دانشگاه اسلامی یا تمدن ساز راشکل داده و تحقق عینی ببخشیم. حال آن که رقیب که در قطب مقابل دولت قرار داشت تلاشش به انحراف کشاندن حرکت آموزش عالی کشور بود.

در بخش پیش فرضها، وزیر علوم دولت نهم، به ویژه در متنهای اول و دوم انتخابی، فضای حاکم بر دانشگاه در دوره اصلاحات را به صورت اغراق آمیز تحت عنوان فوق العاده سیاست زده توصیف می کند. وزیر علوم قانون گرایی، تلاش برای حاکمیت گفتمان علمی و برنامه های متنوع در این راستا را اقدامهای سیاستی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای پایان دادن به سیاست زدگی دانشگاهها دانسته و سند اسلامی شدن و حضور حوزویان در دانشگاهها تحت عناوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری و کرسیهای آزاد اندیشی را در راستای اسلامی شدن یا حرکت به سمت "دانشگاه تمدن ساز" می داند (متنهای اول تا چهارم). در متن دوم، وزیر علوم سیاست زدگی و فضای سیاست زده دانشگاهها را ابستر مناسبی برای رشد احزاب و پایگاههای حزبی می داند و از آن به عنوان سخت ترین مانع برای تحقق اهداف خود یاد می کند.

متون فوق نشان می دهد گفتمان "اصول گرا" با ورود پر قدرت به عنوان گفتمان رقیب، عرصه را بر گفتمان "اصلاح طلب" که توسعه سیاسی را در قالب احزاب و نهادهای مدنی دنبال می کرد، تنگ تر کرده است. گوینده با اشاره و یادآوری خاطره (به تعبیری وی حادثه ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸) سعی دارد قطب بندی و مرزبندی بین دو گفتمان اصول گرا و اصلاح طلب را برجسته سازد. گفتمان "اصول گرا" سعی در تعریف "اصلاح طلب" به عنوان "دگر" خود در کلان سیاست و دانشگاهها در قالب احزاب و پایگاهها و سیاست زدگی ناشی از آنها داشت. نزاع گفتمانی شدید میان گفتمان اصول گرا و گفتمان اصلاح طلب در دانشگاهها با یادآوری وقایع ۱۸ تیرماه و بیان این نکته که مطمئن باشید انقلاب هم این حادثه را فراموش نمی کند تشدید می شود.

این نزاع گفتمانی، گفتمان اصلاح طلبی را که با تحمل شکست در عرصه کلان سیاسی کشور به دانشگاه عقب نشینی کرده بود، دچار تغییر و تهدید می کند. گفتمان اصول گرا با هدف تعیین تکلیف این رقابت گفتمانی در دانشگاه با بهره مندی از دال مرکزی دانشگاه اسلامی و ساخت قطب بندی و غیرسازی میان اساتید و دانشجویان و ایجاد خط کشی و استفاده از مهر

دانشگاه سیاست زده و پایگاه برخی احزاب سیاسی سطح منازعه را ارتقا می‌بخشد. لذا می‌توان نشانه‌ها و مؤلفه‌های اسلامی کردن دانشگاه‌ها را در گفتمان اصول‌گرا به خوبی مشاهده کرد.

#### ۲-۴. طرح تفکیک جنسیتی

طرح "تفکیک جنسیتی" و "دانشگاه تک جنسیتی" هر یک به صورت برنامه‌ای قابل توجه در وزارت علوم دولت نهم مطرح و پیگیری شد. یکی از طرح‌هایی که در دستور کار دولت نهم در عرصه آموزش عالی برای اسلامی کردن دانشگاه قرار داشت، به سرانجام رساندن بحث تفکیک جنسیتی در دانشگاه بود. پس زمینه پیگیری موضوع تفکیک جنسیتی به مصوبه ۱۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی در ششم مرداد ۱۳۶۶ (سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی) باز می‌گشت.

همچنین شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۱۴ قانون چارچوب اصول و مبانی روش‌های اجرایی گسترش فرهنگ عفاف را در جلسه شماره ۴۱۳ تصویب می‌کند. سپس در مورخ ۱۳۸۴/۵/۴ در جلسه شماره ۵۶۶ راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف مصوب می‌شود. و در قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، حجاب مقدم بر عفاف قرار می‌گیرد. همچنین در بند ۴ وظایف وزارت علوم و تحقیقات فناوری بر نظارت جدی بر اجرای آیین نامه انضباطی دانشجویی در محیط‌های دانشگاهی، دانشکده‌ها، خوابگاه‌ها، اردوها و همایش‌های دانشجویی در زمینه توسعه فرهنگ عفاف، (بند ۷) رعایت آمایش سرزمینی در جذب دانشجویان بومی، (بند ۱) تدوین برنامه جامع فرهنگ عفاف و حجاب با توجه به ضرورت الگوسازی، بهینه سازی و به روز کردن الگوها، با در نظر گرفتن تنوع فرهنگی موجود در کشور در محیط‌های دانشگاهی توسط پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی (بند ۹) آموزش، ساماندهی و به کار گیری نیروهای آگاه زن به منظور نظارت بر رعایت حجاب و پوشش در اجتماع، همراه با روش‌های پسندیده و احترام به حریم افراد، تاکید دارد.

پیرو این مصوبات رئیس جمهور دولت نهم به وزیر وقت کشور در مورخ ۱۳۸۷/۹/۲۱ به شماره ۱۶۹۴۹۳ و حکم مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۲۴ جهت گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه و صیانت از حقوق شهروندی دستور تشکیل ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی در دستگاه‌های اجرایی و دانشگاه‌ها را صادر می‌کند. یکی از اهداف تشکیل این ستاد، ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها و استان‌ها با تاکید بر شاخص‌های تعیین شده و امکان رتبه‌بندی آنها در اجرای مصوبه ۵۶۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبه ۴۲۷ شورای فرهنگ عمومی است. همه این اقدامات بیانگر آن بود که در دولت نهم یکی از سیاست‌هایی که

در بستر حجاب و عفاف پیگیری می‌شد، زمینه‌سازی برای تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها بود، که در دولت دهم عملیاتی می‌شود.

#### ۴-۲-۱- متن‌های انتخابی در مورد "تفکیک جنسیتی"

در مورد تفکیک جنسیتی دو متن سخنرانی و مصاحبه محمد مهدی زاهدی وزیر علوم دولت نهم انتخاب و تحلیل شده است (پیوست ۲).

در متن‌های انتخابی، واژگان ایجابی، متضمن مفاهیم ارزشی دانشگاه اسلامی است، و دوهدف را از به کار بردن آنها دنبال می‌کند:

الف- القای این معنا که اسلامی شدن دانشگاه از سوی رسانه‌ها درست فهم نشده است و آن را در کاهش یا جلوگیری از اختلاط دانشجویان دختر و پسر که از ارزش‌های معنوی و اسلامی و سیاست‌های فرهنگی نظام است خلاصه کرده اند. ب- وزیر علوم با بیان این که رسانه‌ها معنای اسلامی شدن دانشگاه‌ها را جداسازی دختر و پسر معرفی می‌کنند، ضمن اذعان و تایید جداسازی دانشجویان دختر و پسر در محیط‌های دانشجویی این اقدام را به افزایش تعداد دانشجویان دختر مرتبط دانسته و آن را اقدامی خوب معرفی می‌کند چون با شکل‌گیری محیط‌های تفکیک جنسیتی شده دانشجویان راحت تر می‌توانند تحصیل کنند.

به نظر می‌رسد در واژگان سلبی یک نوع هشدار بصورت منفی پنهان سازی شده است. به این معنا که دانشجویان با قید جنسیت شان مورد خطاب‌اند و همین گونه فراخوانی توسط رسانه‌های وابسته به گفتمان توسعه سیاسی برجسته سازی شده و با ایجاد حساسیت جنسیتی در بین دانشجویان که مخاطب این سیاست‌ها می‌باشند، تحقق آن را با مانع روبرو می‌سازد. البته بطور ضمنی چون رسانه‌ها را متعلق به حوزه توسعه سیاسی می‌دانند، گفتمان رقیب را نیز به چالش کشانده و آنان را در ناکامی تحقق دانشگاه اسلامی البته به شکل غیریت سازانه سهیم و شریک می‌سازد.

به هر حال، گفتمان غالب این دوره بیشتر تأکید بر بازنشستگی اساتید بوده، و با استفاده از پوشش و حجاب که بارها آن را امری ضروری دانسته، زمینه‌سازی برای تفکیک جنسیتی کرده که اوج و عملیاتی شدن آن را در دولت دهم شاهد خواهیم بود.

#### ۴-۳- دانشجویان ستاره دار

اصطلاح «ستاره‌دار» از تابستان ۱۳۸۵ در اولین سال ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد مصطلح شد، هنگامی که تعدادی از دانشجویان داوطلب کنکور کارشناسی ارشد، با دیدن

ستاره‌هایی در کنار نام خود در کارنامه کنکور، متوجه وضعیت خاص خود برای محدودیت و محرومیت از تحصیل شدند (جندقی: ۱۳۹۲، ۳).

دانشجوی ستاره دار، یکی از جریان‌های بحث‌انگیز آموزش عالی دولت نهم بود، که اولین بار به‌طور جدی در مناظره‌های انتخاباتی سال ۱۳۸۸ به عنوان یک طرح سیاسی توسط آقای احمدی‌نژاد مطرح شد. وزیر علوم، تحقیقات و فناوری دولت نهم دانشجوی ستاره‌دار را ساخته و پرداخته ذهن روزنامه‌ای وابسته به گفتمان اصلاحات دانسته است و این در حالی است که رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی و رئیس دولت نهم، گفت: «دانشجویان ستاره‌دار» همانند موضوعاتی همچون گرانی و تورم، شاه‌بیت مشترک مناظره‌ها و سخنرانی‌های انتخاباتی برخی نامزدها از سال ۸۸ تاکنون بوده است (ایسنا، ۱۸ خرداد ۱۳۹۲).

اما مسئولان سازمان سنجش ستاره‌دار شدن دانشجویان را تنها به دولت نهم مربوط نمی‌دانند. از نظر آنها استعلام از وضعیت دانشجویان قانون مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است و ربطی به دولت‌ها ندارد (ایسنا، ۱۹ آبان ۱۳۹۴).

#### ۴-۳-۱- متن‌های انتخابی در مورد ستاره‌دار کردن دانشجویان

برای بررسی ستاره‌دار کردن دانشجویان سه متن از سخنان وزیر علوم دولت نهم انتخاب و تحلیل شده است (پیوست ۳). متن‌های منتخب در قیاس با غالب متونی که در بخش‌های پیشین مورد بررسی قرار گرفتند، از ویژگی‌ها، بافت و ساختار محتوایی متفاوتی برخوردار است. یکی از ویژگی‌های این متن، فاصله‌گذاری مشخص و روشن توأم با خشونت کلامی با دولت پیشین یعنی دولت سید محمد خاتمی است. واژگان سلبی این متن از شدت و غلظت بیشتری برخوردار است. در متن‌های انتخابی سمت و سوی واژگان ایجابی، اساساً متعلق به دوره دولت نهم است و واژگان سلبی یا منفی عمدتاً به دولت هشتم تعلق دارد. لذا ستاره‌دار کردن دانشجویان در دولت نهم مشروع قلمداد می‌شود.

متن، "دگر" خود را در دوره اصلاحات و رئیس جمهوری سید محمد خاتمی جست و جو می‌کند. و همه ارزش‌های منفی همچون عدم تقوای الهی، وارونه جلوه دادن مسائل و ساختگی بودن وقایع را به "آن‌ها" (دولت اصلاحات-روزنامه‌های اصلاح طلب) نسبت می‌دهد و در مقابل، ارزش‌های مثبت و ایجابی را همچون تقوای الهی، دستور لغو، مذاکره، رفع مشکلات، قانون و مقررات را به دولت نهم منسوب می‌کند.

همچنین متن با تکیه بر یک سری پیش فرض‌ها بر آن است که از یک سو دولت اصلاحات را عامل شکل دادن پدیده ستاره‌دار کردن دانشجویان اعلام و از سوی دیگر، دولت نهم را به خاطر آن چه وی لغو دستورالعمل و آئین‌نامه‌هایی که باعث شکل‌گیری پدیده دانشجویان

ستاره دار شده است، به عنوان حامی دانشجویان معرفی کند. وزیر علوم دولت نهم با اذعان به وجود پدیده دانشجویان ستاره‌دار، به معرفی معنی تعداد ستاره‌ها در فهرست اعلامی سازمان سنجش کرد. وی با بیان این نکته که سه ستاره متعلق به افراد ردصلاحیت شده با پرونده سه سال زندان، شلاق، تجاوز به ناموس مردم است، شکل‌گیری فضای امنیتی ناشی از این پدیده در دانشگاه‌ها را به خارج از وزارت علوم ارجاع داد.

متن در پی آن است که پدیده دانشجویان ستاره‌دار را به گفتمان اصلاح طلبی و روزنامه‌های اصلاح طلب منسوب و از این طریق آنان را منفعل و از گردونه رقابت خارج نماید. به ویژه که این موضوع در جریان انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم به یکی از پاشنه‌های آشیل سیاست فرهنگی دولت تبدیل شده بود. با این توضیح که احمدی‌نژاد در جریان رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری، تلاش داشت با بیان این نکته که پدیده ستاره‌دار کردن دانشجویان سیاست نامناسبی بوده است، دولت خود را در تدوین و جهت دهی آن به عنوان یک اهرم فشار موثر برای زمین گیر کردن فعالان سیاسی و مدنی دانشگاه میرا سازد. وزیر علوم دولت نهم در عین بیان نقش دولت اصلاحات در تدوین این سیاست اعلام می‌دارد که دولت نهم از سال ۱۳۸۵ و با به قدرت رسیدن، این سیاست را متوقف و دستور لغو آن را صادر کرد. و از آن سال ما دانشجوی ستاره‌دار نداشتیم. این درحالی است که آمار سال ۱۳۸۵ و سال‌های بعد حاکی از داشتن دانشجویان ستاره‌دار است (زاهدی: ۸۸، خبرگزاری مهر).

#### ۴-۴- بازنشستگی اساتید

پروژه بازنشستگی اساتید از سال ۱۳۸۶ که برخی از آن به "بازنشستگی اجباری" در مقابل "بازنشستگی قانونی" که وزارت علوم بر آن تأکید می‌کرد، آغاز شد رویه محمود احمدی‌نژاد در برابر مسائل بازنشسته کردن اساتید همواره موضع بی‌خبری، انکار و تکذیب بوده است. احمدی‌نژاد نخستین بار در ۲۰ آذر ۱۳۸۵ در مقام پاسخ‌گویی در مورد بازنشسته شدن استادان برآمد و در جمع دانشجویان دانشگاه امیرکبیر گفت: «برای اینکه نظر بنده را بدانید، نظر احمدی‌نژاد این است که استادی دانشگاه هیچ‌گاه بازنشستگی نخواهد داشت».

رئیس دولت نهم با این اظهارات بازنشستگی اجباری اساتید را در حد شایعه دانست. برخی از منتقدین دولت نهم با اشاره به بازنشستگی ۹ تن از اساتید دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در سال ۸۷ به ویژه امیر ناصر کاتوزیان استاد حقوق دانشگاه تهران بر این باورند که قانون بازنشستگی اعضا هیات علمی به مثابه ابزاری برای حذف برخی از اساتید و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها که منتقد حاکمیت و دولت بودند تبدیل شده است. در همین فضا با مصوبه جلسه ۶۰۸ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی فرایند جذب اعضا

هیات علمی در موسسات آموزش عالی نیز مورد بازنگری قرار گرفت. این بازنگری در مسیر کاهش اختیارات دانشگاه و افزایش نقش شورای عالی انقلاب فرهنگی در فرایند جذب بود. وزیر علوم دولت نهم بازنشسته کردن اساتیدی که بین ۶۵ تا ۷۰ سال سن دارند را حق رئیس دانشگاه دانسته و آن را غیر قانونی نمی‌داند (زاهدی: ۸۷/۵/۲۹: خبرگزاری ایسنا). با بالا گرفتن اعتراض‌ها به بازنشستگی پیش از موعد اساتید، به ویژه در دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی مبنی بر "رفتار سلیقه‌ای" دانشگاه‌ها و دولت، طرح تکریم اعضای هیات علمی بازنشسته در شورای عالی انقلاب فرهنگی تهیه و در ششصدویکمین جلسه مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۵ شورای عالی به تصویب رسید و چند ماه بعد برای اجرا به وزارت علوم ابلاغ شد.

#### ۴-۱-۴- متن‌های انتخابی در مورد "بازنشستگی اساتید"

پنج متن سخنرانی و مصاحبه محمد مهدی زاهدی وزیر علوم دولت نهم در مورد بازنشستگی اساتید از خبرگزاری‌ها انتخاب و تحلیل شده است (پیوست ۴). در متن‌های انتخابی، واژگان ایجابی مبین ارزش‌های مثبت اساتید بازنشسته دانشگاه‌ها، ضرورت احترام و تکریم اساتید و در عین حال حاوی این بحث است که روال بازنشستگی و محدودسازی اساتید صاحب نام که در آن مقطع سر و صدای زیادی ایجاد کرده بود، کاملاً قانونی و بر طبق مقررات بود. وی بر این اعتقاد بود که آن چه در مورد بازنشستگی اعضای هیات علمی در دولت نهم اتفاق افتاد، غیرسیاسی و غیرسلیقه‌ای بوده است. تردید نیست که تمام امورات بازنشستگی در سایه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت گرفته است. در این بخش نقش کلی قانون، مقررات، قوانین ویژه، روال قانونی و اختیارات هیأت امانت از طریق واژگان ایجابی تصویرسازی می‌شود، واژگان سلبی متن‌ها نیز ضمن رد کردن سیاسی و سلیقه‌ای بودن بازنشستگی‌های اعضای هیات علمی به قطب‌بندی با دولت سید محمد خاتمی می‌پردازد و ضمن اعلام این که ما یعنی دولت نهم حتی یک مورد بازنشستگی سلیقه‌ای و سیاسی نداشته‌ایم، به سیاسی و سلیقه‌ای بودن این فرایند در دولت پیشین و وزارت مصطفی معین و جعفر توفیقی اشاره می‌کند. در این قطب بندی یک سر طیف دولت سید محمد خاتمی قرار دارد که به تعبیر محمد مهدی زاهدی بازنشستگی را با منطق سیاسی دنبال می‌کرد و سر دیگر طیف، دولت نهم است که حتی یک مورد بازنشستگی خلاف مقررات انجام نداده است. او بر این باور بود که با هدف تحقق دانشگاه تمدن ساز، تلاش داشته است از اساتید و اعضای هیات علمی به عنوان یکی از مولفه‌های مهم این نوع دانشگاه پس از بازنشستگی استفاده کند. بر همین اساس، سیاست دولت نهم را تکریم اساتید بازنشسته معرفی می‌کند، و بر



این نکته تاکید می‌ورزد که طرح درخواست بازنشستگی برای اساتیدی که شرایط بازنشسته شدن را داشته اند، حقوق قانونی رئیس دانشگاه بوده و خلافی در این زمینه اتفاق نیفتاده است. اما در توصیف وضعیت موجود، به نظارت عالی مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد مقررات و قوانین دانشگاه استناد جسته و در مورد بازنشستگی اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها اشاره می‌کند که چنانچه شورای عالی مصوبه‌ای در این خصوص داشته باشد ناظر بر مصوبات هیات امنای دانشگاه‌ها خواهد بود.

پیش فرض‌های متن، با تاکید بر این که استاد بازنشستگی ندارد و اساساً "بازنشستگی در عرصه پژوهشی و آموزشی معنا ندارد بازنشستگی اساتید را صرفاً اداری و نه علمی که منافی برای خود آن‌ها دارد، معرفی می‌کند. محمد مهدی زاهدی با اشاره به دانش و تجربه اساتید بازنشسته از طرح تکریم، برای استمرار بهره‌مندی از خدمات علمی آن‌ها با هدف تحقق دانشگاه تمدن‌ساز یاد می‌کند. وی با اذعان به این که دانشگاه، استاد و هیأت علمی در فرایند شکل دادن به تمدن ایرانی-اسلامی نقش دارد، معتقد بود برای هموارسازی این مسیر، دانشگاه‌ها باید از وضعیت موجود خود فاصله گرفته و به سمت دانشگاه تمدن‌ساز حرکت کنند. اگرچه در مورد چپستی و چگونگی دانشگاه مطلوب و به تعبیر محمد مهدی زاهدی دانشگاه تمدن‌ساز بیان روشن و شفافی وجود نداشت، ولی بیان مکرر این شعار، به گونه‌ای حاوی نارضایتی از وضعیت موجود دانشگاه بود.

#### ۴-۵- تغییر سر فصل‌های متون و کتب درسی

شورای عالی انقلاب فرهنگی از او آن شکل‌گیری تلاش کرد با تدوین و بازنگری متون و ایجاد تحول در برنامه درسی تمام رشته‌ها، ایجاد امور فرهنگی- ادبی و هنری متناسب با انقلاب اسلامی و گفتمان حاکم بر شورای عالی انقلاب فرهنگی، تولید نوعی علم دینی یا اسلامی را هدف بگیرد. پیشینه این موضوع به تشکیل گروه بازبینی کتب علوم انسانی ستاد انقلاب فرهنگی مصوبی و چهارمین جلسه مورخ ۶۴/۵/۲۹ شورای عالی و همچنین تأسیس سازمانی مستقل به نام سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها که اختصاراً «سمت» نامیده می‌شود، برمی‌گردد.

موضوع تغییر و بازنگری در متون دانشگاهی به عنوان یکی از اقدام‌ها برای اسلامی کردن دانشگاه متناسب با تغییر و تحول در گفتمان مفسر سیاست‌های فرهنگی با قبض و بسط‌های روبرومی شد. همچنین در این دوره برخی از موسسات مستقر در قم به ویژه موسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (ره) وابسته به آیت الله مصباح یزدی در زمینه بازنگری و اصلاح متون علوم انسانی نقش موثرتر و فعال‌تری پیدا کردند.

آیت‌الله مصباح یزدی به عنوان پدر معنوی دولت نهم و رئیس موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) که به اذعان وزیر علوم دولت نهم مسولیت بازنگری در متون را برعهده داشت (روزنامه شرق، شماره ۲۰۱۲، ۱۳۹۳، شنبه ۲۰ اردیبهشت، ص ۱). در چارچوب گفتمان اصول گرا برای اسلامی کردن علوم، براین باور است که باید در همه رشته‌های علوم انسانی، در کتاب‌ها و در اساتید، تجدید نظر شود. .... کتاب‌ها همانطور که همه صاحب‌نظران اطلاع دارند، ترجمه‌ای است از کتاب‌هایی که در اروپا و آمریکا نوشته شده با اندکی تغییر. چند مثال اروپایی برداشته شده و به جای آن، مثال ایرانی گذاشته و باصطلاح بومی سازی شده است. اگر این کتاب‌ها بخواهد اسلامی شود، باید کل کتاب عوض شود (مصباح یزدی، سخنرانی ۸۸/۸/۱۵).

محمد مهدی زاهدی با اعتقاد و باور به این که در علوم انسانی موجود در دانشگاه‌ها به شدت سکولاریسم نفوذ کرده است، بازنگری در متون دانشگاهی را یکی از مهم ترین اولویت هادانست .

#### ۴-۵-۱- متن‌های انتخابی در مورد "تغییر سر فصل‌های متون و کتب درسی"

پنج متن سخنرانی و مصاحبه در مورد تغییر سر فصل‌های متون و کتب درسی از خبرگزاری‌ها انتخاب و تحلیل شده است (پیوست ۵).

واژگان ایجابی یا مثبت متن، در خدمت اثبات ضرورت تغییرمحتوای کتب علوم انسانی و اقدام‌های انجام شده در دولت نهم است. همانگونه که پیش از این هم اشاره شد آیت الله مصباح یزدی بر بازنگری در محتوای علوم انسانی در دانشگاه‌ها تاکید داشت و بر این نکته اصرار می‌ورزید. محمد مهدی زاهدی با اشاره به چراغ سبز خود به معاون فرهنگی به پیگیری این موضوع تاکید داشت و معتقد بود برای به سرانجام رساندن اسلامی سازی علوم انسانی، آمادگی کامل دارد. یکی از نگرانی‌های وی کند بودن روند تدوین محتوا و فرایند بازنگری است. این واژگان، همچنین در فرایند بازنگری محتوای علوم انسانی، اصالت را به ارزش‌های اسلامی، تعهد و علوم انسانی حوزوی می‌دهد. واژگان سلبی یا منفی متن‌ها به مساله شدت نفوذ سکولاریسم در برخی از شاخه‌های علوم انسانی اشاره دارد. وی علوم انسانی موجود در دانشگاه‌ها را متکی به بیگانه معرفی کرده و تلاش دارد با محوریت سند در حال تدوین دانشگاه اسلامی مرزبندی خود را با این علوم برجسته سازد.

بدین ترتیب گفتمان دولت نهم، دست به یک قطب بندی میان مدافعان تغییر در محتوای کتب علوم انسانی در مقابل مخالفان بازنگری می‌زند. در یک سوی این طیف شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، حوزه‌های علمیه و مشخصاً "موسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی (ره) وابسته به آیت الله مصباح یزدی به عنوان تئوریسین علوم انسانی اسلامی قرار دارند که در پی تغییرات اساسی و تحکیم اقتدار منابع دینی مبتنی بر وحی در این حوزه‌اند و سوی دیگر طیف را بیگانگان به ویژه سکولارها و ابادی آنها در دانشگاه‌ها تشکیل می‌دهند. در واقع متن‌ها "دگر" خود را در وجود سکولارهای داخلی تعریف کرده اند.

در بخش پیش فرض، متن‌ها، این نکته را که سکولاریسم و اندیشه‌های سکولاریستی در برخی از شاخه‌های علوم انسانی به شدت نفوذ کرده و مانع اسلامی شدن دانشگاه هاست مفروض می‌دانند. برای مقابله با نفوذ سکولاریسم و بیگانگان، بازنگری محتوای علوم انسانی ضروری است. البته این فرایند طولانی مدت است و برای آن باید هزینه کرد. از حیث گزاره‌های اساسی، متن، ضمن تاکید بر سرعت بازنگری و انگیزه بالای دولت برای این امر به همراهی پژوهشکده‌ها و موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) با این مسئله اشاره دارد. و بر همین مبنات دین سند اسلامی سازی دانشگاه کلید می‌خورد.

##### ۵- تحلیل گفتمانی سیاستگذاری فرهنگی دولت دهم در حوزه آموزش عالی

محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری دور دهم با هدف کسب مجدد قدرت، دال مرکزی گفتمان خود را "عدالت گستری" قرار داد و به مفصل بندی دوباره خرده گفتمان پیشین خود با اندکی تغییرات روی آورد. با پیروزی وی، به مرور شاهد بروز چرخش گفتمانی با محوریت دال مرکزی "عدالت" به جای "ولایت فقیه" و برجسته سازی موعود گرایی سیاسی هستیم. عناصری همچون "مبارزه با صهیونیسم" و "مقابله با استکبار" به "دوستی با ملت اسرائیل" و "تلاش برای برقراری رابطه با آمریکا" به عنوان سیاست‌های دولت دهم تبدیل شد. و "مقابله با فساد" که در گفتمان دولت نهم تاکید و پیگیری می‌شد، در دولت دهم تا حدود زیادی به حاشیه رفت یا تبدیل به ابزاری برای تهدید و مقابله با خرده گفتمان رقیب تبدیل شد. "شفافیت" در گفتمان دولت دهم به "پیچیدگی در امور" و "لایه لایه کردن حقایق" تبدیل شد. گفتمان حاکم بر دولت دهم، نوعی «این همانی» را با گفتمان "موعود گرایی سیاسی" تداعی می‌کند. برخی از مواردی که با نگاه خاص به ولایت و با گفتمان "موعود گرایی سیاسی" هم پوشانی دارد، عبارتند از: "طرح حاکمیت دوگانه، مولوی و ارشادی دانستن فرمان‌های رهبری و احکام حکومتی و ارایه تقسیم بندی حکومتی و غیرحکومتی، از فرامین رهبری" (عبداللهی: ۲، ۱۳۹۰).

دولت دهم با رویکرد جدید، حساسیت بسیاری از نیروهای اصولگرا را برانگیخت. همچنین برخلاف دولت نهم، چرخش گفتمانی به سوی حوزه نخبگانی جامعه پیدا کرد. به نظر می‌رسد با این چرخش تلاش داشت روابط خود را با این جامعه ترمیم کرده و از سرمایه شکل

گرفته برای ایفاء نقش در انتخابات ریاست جمهوری دور یازدهم استفاده کند. در واقع، دولت دهم تلاش کرد با تقسیم اقشار جامعه به دو طبقه ضعیف و متوسط و نام گذاری آنان با عنوان بخش «توده ای» و «نخبگانی»، برای هریک از این دو، متناسب با صفات و رویکردهایشان گفتمان سازی کند.

دولت دهم با رویکرد جدید، حساسیت بسیاری از نیروهای اصول گرا را برانگیخت. همچنین برخلاف دولت نهم، چرخش گفتمانی به سوی حوزه نخبگانی جامعه پیدا کرد. به نظر می‌رسد با این چرخش تلاش داشت روابط خود را با این جامعه ترمیم کرده و از سرمایه شکل گرفته برای ایفاء نقش در انتخابات ریاست جمهوری دور یازدهم استفاده کند. در واقع، دولت دهم تلاش کرد با تقسیم اقشار جامعه به دو طبقه ضعیف و متوسط و نام گذاری آنان با عنوان بخش «توده ای» و «نخبگانی»، برای هریک از این دو، متناسب با صفات و رویکردهایشان گفتمان سازی کند.

در دولت دهم احمدی‌نژاد توانست در گفتمان اصول گرایی شکاف مهمی ایجاد کند. ایستادگی وی در مقابل حکم رهبری در جریان معاون اولی رحیم مشایی، طرح موضوع مکتب ایرانی در همایش ایرانیان خارج از کشور توسط رحیم مشایی و ترویج آن، انتصاب مشاورانی در امور خاورمیانه، آسیا، آفریقا، امریکای لاتین و افغانستان، تولید سی دی ظهور نزدیک است توسط نزدیکان دولت، عزل وزیر اطلاعات حیدر مصلحی و خانه‌نشینی ۱۱ روزه رییس جمهور، انتشار ویژه‌نامه خاتون و بدنبال آن بازداشت علی‌اکبر جوان‌فکر مشاور رسانه‌ای احمدی‌نژاد و مدیر مسئول موسسه مطبوعاتی ایران و خبرگزاری ایرنا، احیای مجدد هیات نظارت بر قانون اساسی که در سال ۸۴ منحل کرده بود و انتشار نامه توقف بازنشستگی اساتید و تفکیک جنسیتی در ۱۳۹۰/۰۴/۱۵ نشان از بروز این شکاف دارد. تمام این موارد در کنار انتصاب‌های بحث برانگیز از جمله در دانشگاه آزاد اسلامی و تامین اجتماعی و عزل وزیر امور خارجه منسوب به گفتمان اصول‌گرای دولت نهم و حضور حداقلی وزرای منتسب به جریان اصول گرایی در دولت دهم نشان از تلاش احمدی‌نژاد برای دور شدن از اردوگاه اصول گرایی و تعریف جدید از گفتمان منتسب به دولت خود داشت. به این ترتیب، احمدی‌نژاد ترجیح داد در ترکیب دولت دهم از شخصیت‌هایی استفاده کند که به وی و نه لزوماً جبهه‌ی اصول‌گرایی نزدیک باشند.

بدین ترتیب، دولت دهم هر چند در فضای اصول گرایی تنفس می‌کرد، اما رفته رفته با رأی بالای محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و شکل‌گیری دولت عملاً فاصله خود را با جریان اصول‌گرایی بیشتر کرد. موضع‌گیری‌های محمود احمدی‌نژاد در برخی از موارد نظیر ارتباط با روحانیت و مراجع، وضعیت فرهنگی جامعه، اطاعت از حکم ولی فقیه،

حضور زنان در ورزشگاه در تضاد علنی با معیارها و گفتمان اصول گرایی بود. چرخش گفتمانی دولت دهم از "ولایت فقیه" به سمت "موعودگرایی سیاسی" ارتباط او با روحانیت را دچار تزلزل کرد. موعودگرایی سیاسی تلفیقی از آموزه‌های موعودگرایانه و اسلام سیاسی است و از یک سو ایده آخر الزمان و ظهور منجی موعود و از سوی دیگر اندیشه تاسیس حکومت دینی و اداره جامعه بر اساس دین را به عنوان مقدمه ظهور طرح می‌کند (میرموسوی: ۴، ۱۳۹۴). در سیاستگذاری فرهنگی این دوره مفهومی از اسلامی شدن دانشگاه و دانشگاه اسلامی غالب شد که براساس آن دانشگاه جزو ابواب جمعی دولت انقلابی و مکتبی محسوب می‌شد و باید از منویات ایدئولوژیک دولت در عرصه علم و دانش متابعت می‌کرد. تعریف سیاستگذاران این دوره از سیاست اسلامی شدن دانشگاه‌ها بیشتر ناظر بر اقدامات اجرایی و نه معرفتی است و حول مفاهیم مبارزه با لیبرالیسم فرهنگی، مبارزه با سکولاریسم و غرب زدگی، به عنوان محورهای اصلی برگزیده شده بود. پیش فرض تصویب و اعمال این سیاست‌ها فقدان دانشگاه اسلامی، غالب بودن علم سکولار در دانشگاه و نقش ترویجی دانشگاه نسبت به اندیشه‌های غربی و ایفا نقش در پروژه تهاجم فرهنگی بود. وزیر علوم دولت دهم با همین پیش فرض‌ها و با محوریت دانشگاه اسلامی و علم اسلامی علاوه بر نفی سیاستگذاری‌های فرهنگی برآمده از گفتمان اصلاح طلبی به مقابله با گفتمان دانشگاهی نیز پرداخت.

دانشجو وزیر علوم دولت دهم اعلام کرده بود: "مهم ترین برنامه بنده که در مجلس شورای اسلامی و جلسه رای اعتماد اعلام کردم این بود که دغدغه دین دارم و می‌خواهم دانشگاه‌ها را اسلامی کنم (ایسنا: ۱۳۹۱، شناسه خبر ۲۰۱۷۶۳۲)."

از منظر سیاستگذاری فرهنگی مؤلفه‌های حاکم بر گفتمان دوره آموزش عالی دولت دهم در سیاستگذاری فرهنگی حاوی ویژگی‌های الف- اسلامی شدن دانشگاه‌ها ب- تفکیک جنسیتی ج- ستاره دار کردن دانشجویان د- بازنشستگی اساتید ه- تغییرمتون و سرفصل‌های کتب دانشگاهی با هدف تحقق دانشگاه اسلامی است.

#### ۱-۵- اسلامی شدن دانشگاه‌ها

محور عمده‌ای که آموزش عالی دولت دهم بر آن تأکید دارد، اسلامی شدن دانشگاه است. در این مسیر، بازنشستگی اجباری اساتید تحت عنوان سکولار، تغییر سرفصل‌های علوم انسانی و تغییر فضا با اعمال تفکیک جنسیتی و اخراج دانشجویان ستاره دار کاملاً برجسته و مشهود است. اعمال مؤلفه‌های مذکور از دیدگاه این گفتمان، یکی از ضروریات تحقق دانشگاه اسلامی بود. این رویکرد، اسلامی شدن را درگرو جذب اساتید متعهد، تفکیک جنسیتی و حذف دانشجویان ستاره‌دار می‌بیند.

از منظر این گفتمان یکی از ضرورت‌های تحقق دانشگاه اسلامی آن است که همه عناصر آن اسلامی باشد، به همین دلیل، بر بهره‌مندی از اعضای هیأت علمی قائل به نگاه توحیدی بدون ترویج سکولاریسم تأکید دارد. این رویکرد با هدف مقابله با آن چه تفکرات سکولاریستی می‌نامد، معتقد است دانشگاه باید از تفکر غرب آزاد شود و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها نمی‌توانند به بهانه آزادی، سکولاریسم را در دانشگاه ترویج دهند. این گفتمان بیشترین نزدیکی را در بین گفتمان‌های رایج، با گفتمان "اصول‌گرا" دارد.

### ۵-۱-۱- متن‌های انتخابی در مورد "اسلامی شدن فضای دانشگاه‌ها"

۱۳ متن سخنرانی و مصاحبه‌های کامران دانشجو در مورد فضای دانشگاه‌ها از خبرگزاری‌ها انتخاب و تحلیل شده است (پیوست ۶).

با نگاهی به واژگان مطرح شده در متن‌ها می‌توان دریافت که واژه "فضا" بدون الحاقات با ۲۱ بار تکرار در زمره واژگان پر بسامد متن‌ها بوده است. "اصلاحات" نیز همراه با واژگانی که دارای شمول معنایی با آن بوده‌اند نظیر "فتنه"، "فتنه‌گری"، "هرج و مرج طلبی"، "بی قانونی" و "منافق" از دیگر واژگان پر بسامد این متن‌ها است.

در متن‌های انتخابی، واژگان ایجابی، به دستاوردها و آثار مثبت دولت دهم در مدیریت فضای دانشگاه اشاره دارد و با ترسیم سیمای دانشگاه اسلامی از منظر گوینده، تلاش دارد تا ماموریت اصلی وزیر علوم را حرکت به سمت تحقق آن معرفی کند. وزیر علوم دولت نهم با اذعان به ماموریت اصلی خویش مبنی بر "اسلامی کردن دانشگاه" آن را مجموعه‌ای معرفی می‌کند که هم شکل و هم محتوای آن باید دچار تغییر و تحولی اساسی شود. کادر سازی برای نظام، دین داری و حاکمیت گفتمان دینی، رعایت هنجارهای دینی، یومن بالله و یکفربالطاغوت بودن، نشاط برای تولید علم و فناوری و جنبش دانشجویی همراه و مشروعیت آفرین برای نظام از ویژگی‌های تحقق دانشگاه اسلامی است. واژگان ایجابی به ویژه در بحث بومی سازی و اسلامی کردن، نشان می‌دهد، در گفتمان اصول‌گرایی و سیاستگذاران دولت دهم، علم یک نظام دانایی مستقل و جهان شمول نیست. به بیان دیگر عقلانیتی مستقل از دین و وحی وجود ندارد. واژگان سلبی بیان‌گر فضای دانشگاهی غربی، غرب‌گرا، مروج سکولاریسم در دوره شکل‌گیری دانشگاه در ایران، پهلوی دوم و دوره اصلاحات و بازگو کننده خطراتی است که دستاوردهای تلاش برای تحقق دانشگاه اسلامی را تهدید می‌کنند. وزیر علوم دولت دهم احزاب، افراد و عناصر به زعم وی اصلاح طلب را مانع شکل‌گیری دانشگاه اسلامی معرفی می‌کند.

در بحث قطب بندی، "ما" کسانی تصویر سازی می‌شوند که شامل خواستاران دانشگاه اسلامی، دانشگاه در طول نظام، دانشگاه بومی و کادرساز برای نظام و در برگیرنده جنبش دانشجویی در طول نظام اند. وزیر علوم دولت دهم، ویژگی‌های به زعم خود منفی همچون دانشگاه غربی، دانشگاه سیاست زده، دانشگاه درعرض نظام، دانشگاه مروج اندیشه‌های سکولاریسم، را به "آنها" یعنی دولت ششم و هفتم یادوره اصلاحات نسبت می‌دهد.

در پیش فرض‌ها وزیر علوم، دستاوردهای وزارت علوم را در مورد اسلامی سازی دانشگاه بی بدیل و در حد اغراق توصیف می‌کند. وی دانشگاه اسلامی را نقطه انهدام سکولار، اندیشه‌های غربی و فتنه گران وایسته داخلی می‌داند. کامران دانشجو دانشگاه اسلامی و بومی را بستر مناسبی برای نشاط علمی-سیاسی و تفکر مبتنی بر دین می‌داند و در مقابل از غرب گراها و فتنه گران و منافقین احساس خطر می‌کند.

از مجموع متن‌های انتخابی می‌توان استنباط کرد که گفتمان اصول گرا "دگر" داخلی خود را فتنه گر، منافق، غرب زده، سکولار، سیاست زده، هرج و مرج طلب و دگر خارجی خود را امریکا معرفی می‌کند. براساس این گفتمان این افراد و جریان‌ها کسانی‌اند که مخمل تشکیل دانشگاه اسلامی‌اند و باید با آنها در فضای دانشگاه مقابله کرد.

در تحلیل نهایی، کامران دانشجو تلاش داشت تا فضای دوقطبی مبتنی بر سیاستگذاری فرهنگی اصلاح طلبانه و سیاستگذاری فرهنگی مبتنی بر اصول گرایی و نتایج دستاوردهای هر یک از سیاستگذاری‌ها را برای آموزش عالی کشور برجسته سازد. می‌توان گفت این خط مشی بی ارتباط با فضای سیاسی بعد از انتخابات ۸۸ نیست. با در نظر گرفتن بافت موقعیتی و زمینه تولید متن، می‌توان گفت که متن‌های انتخابی عملاً یافته‌های نظری خود را با تمرکز بر دو رخ داد ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و ناآرامی‌های سیاسی بعد از انتخابات ۱۳۸۸ با محوریت ۹ دی تایید می‌کند. دانشجو در این متن‌ها تلاش داشت، نشان دهد دانشگاه‌های کشور، اسلامی نیست. تاکید بر این سخن، دستاوردهای شورای عالی انقلاب فرهنگی و دولت‌های قبل حتی دولت نهم را زیر سوال می‌برد. او سپس بلافاصله مشکل اساسی دانشگاه‌های ایران را کپی برداری محض از دانشگاه‌های غربی دانسته و می‌گوید ما دانشگاه بومی نداریم. وی تلاش‌هایی که برای اسلامی شدن از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی و دولت‌های پیشین انجام شده را یک اتفاق می‌داند، نه یک تلاش (بعد از انقلاب درست است که اتفاقاتی افتاد و به سمت اسلامی شدن پیش رفت. اما ماهیت آن تغییر نکرد).

در این متن‌ها دانشجو به منظور مؤثر واقع شدن دیدگاه‌ها و بیانات خود، در مورد دانشگاه اسلامی، آنها را به سخنان حضرت امام (ره)، مقام رهبری، محمود احمدی‌نژاد و مجلس مستند می‌کند تا بدین شکل ارزیابی مثبتی در ذهن مخاطب ایجاد کند. دانشجو تلاش اصلی خود را

برای تبیین و تفسیر مفهوم دانشگاه اسلامی و بیان و ویژگی‌ها و شاخص‌ها و ملاک‌های آن از یک سو و ذکر مبانی ایدئولوژیک دینی و تاریخی آن از سوی دیگر قرار داد. کامران دانشجو با اشاره به مطالعه و بررسی دیدگاه‌های امام (ره) و رهبری در موضوع اسلامی شدن دانشگاه و تبدیل آن دیدگاه‌ها به یک دستورالعمل یا آنچه وی از آن به مانیفست یاد می‌کند، مدعی این می‌شود که هشتاد سال دانشگاه‌های ما تحت سلطه علوم و تفکر غربی است و او می‌خواهد آن را اسلامی کند. همچنین در مقام یک ایدئولوگ می‌گوید: «من می‌گفتم مناسبات باید اسلامی باشد و امام می‌فرمایند روابط باید صد در صد اسلامی باشد». او در عین حال در تلاش بود تا مبانی فکری و تاریخی گفتمان اصول‌گرایی در موضوع دانشگاه اسلامی را در چارچوب ایرانی-اسلامی مفصل بندی کند. او در این متن‌ها از تفکر ایرانی - اسلامی، احیای تمدن ایرانی-اسلامی و هویت ایرانی، اسلامی سخن می‌گوید.

وزیر علوم به دلیل چرخش گفتمانی احمدی‌نژاد و زاویه پیدا کردن باخرده گفتمان حاکم بر دولت دهم، سیاست‌های اعمالی خود در وزارت علوم را علیرغم برخی نارضایتی‌های اعلام شده توسط رئیس دولت، مستند به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و نظر مراجع کرده و سیاست‌ها خود را با قوت پیگیری کرد.

## ۲-۵- تفکیک جنسیتی

برجسته سازی سیاست تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها از ویژگی‌های سیاستگذاری فرهنگی دولت دهم است. این سرفصل در دولت نهم از حساسیت کمتری برخوردار بود. اما با تعریف و تفسیری که کامران دانشجو به عنوان وزیر علوم و عهده دار سیاستگذاری فرهنگی در دانشگاه از مفهوم اسلامی شدن به مثابه یک پروژه داشت در دولت دهم سرفصل تفکیک جنسیتی و دانشگاه تک جنسیتی نقش محوری یافت. دولت دهم در پروژه‌ای اسلامی شدن دانشگاه، بر شکل و ظاهر و مناسبات درون دانشگاهی متمرکز شد. این سیاست برگرفته شده از گفتمان اصول‌گرایی، با رد حاشیه‌ای بودن بحث، ضمن تأکید بر این که روابط بین دانشجویان، بین دانشجویان و اساتید باید بر مبنای اسلام باشد، به پیگیری سیاست تفکیک جنسیتی و تک جنسیتی کردن دانشگاه‌ها اصرار داشت.

تأکید همزمان بر تفکیک جنسیتی و عفاف و حجاب از نگرش و ویژگی‌های بارز گفتمان آموزش عالی دولت دهم در سیاستگذاری فرهنگی بود. پیگیری این سیاست با مفاهیم و معیارهایی نظیر رضایت والدین، پیشرفت تحصیلی، عدم مشروط نشدن و افزایش معدل توجیه و بر آن بود که موارد پیش گفته، از نتایج مطلوب تفکیک جنسیتی در دانشگاه است.



به نظر می‌رسید در متون این دوره مفهوم تفکیک جنسیتی و ساماندهی جنسیتی با دانشگاه تک جنسیتی و دانشگاه بومی، دچار نوعی خلط شده است. پیشینه سیاست تاسیس دانشگاه‌های تک جنسیتی در کنار دانشگاه‌های مختلط به پیش از انقلاب اسلامی با تاسیس دانشگاه الزهرا فعلی و مدرسه عالی دختران سابق، برمی‌گردد. وجود دانشگاه تک جنسیتی و بومی برخی مواقع تبدیل به مستمسکی برای توجیه سیاست تفکیک جنسیتی می‌شود. این در حالی است که تفکیک جنسیتی به معنای اعمال اجبار قانونی در جدا کردن دختر و پسر است، در صورتی که دانشگاه تک جنسیتی، موازی با دانشگاه‌های مختلط و مبتنی بر اختیار متقاضی و احترام به حق انتخاب و گزینش دانشجویان است و باعث سلب حق انتخاب متقاضی ورود به دانشگاه نمی‌شود. حال آن که سیاست تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها بیان گر این است که این گفتمان رویکردی جدایی طلبانه و جنسی به ارتباط دختر و پسر دارد. پیگیری مستمر وزارت علوم برای اجرایی شدن این سیاست در فضای عمومی و دانشگاهی با واکنش‌های متفاوتی روبرو شد.

#### ۵-۲- متن‌های انتخابی در مورد "تفکیک جنسیتی"

پنج متن شامل سخنرانی و مصاحبه کامران دانشجو در مورد تفکیک جنسیتی از خبرگزاری‌ها انتخاب و تحلیل شده است (پیوست ۷).

واژگان ایجابی یا مثبت متن، در خدمت تصویر سازی دانشگاه ایرانی - اسلامی، بومی و در عین حال تفکیک و تک جنسیتی است. و به خانواده‌ها نوید می‌دهد که در صورت حمایت آنان، فرزندان شان پیشرفت تحصیلی خواهند داشت و این امر سبب پیش‌گیری از مشروطی شدن آنها می‌شود. کامران دانشجو، همچنین با استناد به اسناد بالادستی برای اعمال این سیاست از مفهوم ساماندهی جنسیتی به جای تفکیک جنسیتی یاد می‌کند و بر این باور است که مفهوم تفکیک جنسیتی به عمد توسط رسانه‌ها و با هدف حاشیه سازی ابداع شده است. البته وی در مورد تفاوت رویکرد ساماندهی جنسیتی با هدف کاهش اختلاط و تفکیک جنسیتی توضیحی ارائه نمی‌دهد. همچنین استناد استفاده از عبارت ساماندهی جنسیتی به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی فاقد مصداق است.

واژگان سلبی برجسته سازی بحث تفکیک جنسیتی رابه جای ساماندهی جنسیتی عمدی و از سوی رسانه‌ها با هدف دامن زدن به بحث‌های جنبی و حاشیه‌ای معرفی می‌کند. بدین ترتیب، گفتمان متن‌های انتخابی، دست به یک قطب بندی میان دانشگاه غربی در مقابل دانشگاه بومی و اسلامی می‌زند. در یک سوی این قطب، دانشگاه ایرانی - اسلامی با محوریت تفکیک و تک جنسیتی قرار دارند که با واژه‌های شرع اسلام، حجاب و عفاف این ایده رایجی می‌دهند. و در سوی دیگر هواداران ترویج مناسبات غربی در دانشگاه و کسانی که برای آنها

شکل و ظاهر دانشگاه مهم نیست و برخی از رسانه‌های حاشیه ساز و مخالفان تفکیک جنسیتی و موافق با اختلاط قرار دارند.

در واقع متن‌های انتخابی، "دگر" خود را به دو بخش تقسیم می‌کند، خارجی که در وجود غربی‌ها تصویرسازی می‌شود و داخلی که متمرکز بر دولت اصلاحات و بعدتر آن چه وی از آن با الهام از نا آرامی‌های سیاسی بعد از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری به نام "فتنه" یاد می‌کند. در این متن‌ها از لحنی قاطع و توأم با صفات ارزشی استفاده می‌شود.

در بخش پیش فرض‌های متن‌های انتخابی، این نکته را که دانشگاه مختلط بر اساس مناسبات فرهنگ غربی است مفروض تلقی شده و ساماندهی جنسیتی به عنوان یکی از راه‌های تحقق سیاست اسلامی شدن دانشگاه‌ها معرفی گردیده است. تمام متن‌های انتخابی در پی تلفیق و تداعی این معناست که دانشگاه مختلط سیاست نادرستی است. و دانشگاه تک جنسیتی و تفکیک جنسیتی سیاستی صحیح و منطبق باخواست خانواده‌ها است.

دانشجو در این متن‌ها برای تحقق دانشگاه اسلامی تغییر ظاهر و مناسبات درون دانشگاهی و روابط بین دانشجویان و اساتید را شرط لازم و همه جانبه می‌داند. و پیش برد دانشگاه اسلامی را از شکل و ظاهر و تفکیک جنسیتی کردن جدا نمی‌داند. در این بستر دانشجوی طبق اظهارات خود یک مطالعه میدانی در خصوص تمایل خانواده داوطلبان برای اعمال سیاست تک و تفکیک جنسیتی ارائه می‌دهد و آن را یکی از مستندات اعمال سیاست تک و تفکیک جنسیتی قرار می‌دهد. او مبنای اعمال این سیاست را نظر مراجع عظام تقلید دانسته و مخالفت آنان با اختلاط دختر و پسر را عامل اجرایی کردن سیاست‌های دانشگاه‌های تک جنسیتی معرفی می‌کند. دانشجوی بارها در مصاحبه‌هایش بیان کرده بود که هر تصمیم اجرایی را فقط بر اساس مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان اسناد بالا دستی انجام خواهد داد، و هرچه را شورا مصوب کند، وی آن را اجرا خواهد کرد.

این در حالی است که شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تک جنسیتی کردن مراکز آموزش عالی کشور به این صورت مصوبه صادر کرده است: "طبق مصوبه صد و بیست و یکمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۶ مرداد سال ۶۶" دانشجویان زن و مرد لازم است در کلاس‌های درس در دو ردیف جداگانه بنشینند" تبصره‌ای هم برای این بند وجود دارد که براساس آن، "هرگاه برای دانشگاهی جدا کردن کلاس‌های مختلط زنان و مردان میسر باشد و مشکلی از لحاظ بودجه و کیفیت تحصیل به وجود نیآورد، کلاس‌ها باید جدا شوند.

پیگیری مستمر وجدی این سیاست باعث می‌شود رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۴ تیرماه ۱۳۹۰ در سایت رسمی دولت اقدام به انتشار نامه دو بندی کرد که نشان از نوعی اختلاف نظر عمیق و در عین حال حیرت آور پیرامون برخی سیاست‌های فرهنگی در آموزش

عالی دولت دهم دارد. این اقدام کم نظیر احمدی نژاد، علاوه بر علنی و رسانه‌ای کردن اختلاف نظر باعث رنجش خاطر کامران دانشجو و دفاع از عملکرد خود و اعلام این نکته شد که وی براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و نظر مراجع این سیاست‌ها را اجرایی کرده است. این دستور احمدی نژاد که مغایرت کامل با رویه عملی و علنی دولت‌های نهم و دهم طی ۶ سال اخیر داشت باعث حیرت و واکنش چهره‌های مختلف از جناح‌ها و جریان‌های گوناگون شد.

### ۵-۳- دانشجویان ستاره دار

گفتمان این دوره و همچنین دولت نهم به اتفاق در ستاره‌دار کردن دانشجویان راه انکار در پیش گرفته و این موضوع را به دوران اصلاحات نسبت می‌دهند. وزیر علوم دولت دهم در ریشه یابی مفهوم ستاره‌دار شدن دانشجویان، آن را به آئین نامه گزینش اخلاقی داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها مصوب جلسه ۸ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۱۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی ابلاغی به تاریخ ۱۳۶۴/۰۴/۱۰، ارجاع می‌داد. این آئین نامه حق ورود به دانشگاه و تحصیلات تکمیلی را به کسانی می‌داد که علاوه بر قبولی در امتحانات ورودی، شرایط گزینش عمومی، اخلاقی و سیاسی را برابر رای مراجع به تعبیر این مصوبه ذی صلاح داشته باشند. وزیر علوم دولت دهم با رد ادعای ممنوع تحصیل شدن دانشجویان، طرح دانشجویان ستاره‌دار را ساخته و پرداخته رسانه‌های بیگانه و فعالان فتنه ۸۸ معرفی می‌کرد. وی با رد ستاره‌دار کردن دانشجویان به خاطر فعالیت سیاسی منتقدانه، در مقام مصداق یابی دانشجویان ستاره‌دار به دانشجویانی اشاره می‌کرد که علیه نظام و در راستای براندازی جمهوری اسلامی فعال بوده‌اند و براساس استعلام از مراجع قانونی پرونده گزینش آنها دچار مشکل شده است. وی با نفی فعالیت سیاسی از نوع ۱۸ تیر ۱۳۷۸، آن نوع فعالیت را فعالیت براندازانه معرفی و با صراحت اعلام می‌کرد به هیچ عنوان تا در منصب وزارت قرار دارد اجازه این نوع فعالیت را در دانشگاه‌ها نمی‌دهد. دانشجو، ستاره دار شدن دانشجویان را پدیده‌ای معرفی می‌کرد که در دولت اصلاحات شکل گرفته و معتقد بود که در دوره وزارت وی با فعالان دانشجویی در دانشگاه‌ها نه تنها برخورد نشده، بلکه همه آئین نامه‌ها با هدف تسهیل فعالیت این فعالان سیاسی دانشجویی مورد بازنگری قرار گرفته است.

وزیر علوم با ریشه یابی بحث ستاره‌دار شدن دانشجویان، آن را محصول دوره دولت اصلاحات و در ارتباط با اجرای مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی برگزینش دانشجویان متقاضی ورود به تحصیلات تکمیلی معرفی می‌کرد. وی انجام استعلام از مراجع ذی صلاح برای ادامه تحصیل دانشجویان را طبق قانون دانسته و عمل به آن را رعایت یک امر

قانونی معرفی می‌کرد. در عین حال با رد شروع این موضوع در دولت نهم و دهم و با اشاره به تصویب آن در شورای عالی انقلاب فرهنگی معتقد بود این موضوع در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد و ما آن را لغو و برداشتیم. دانشجوییچ گاه در مورد زمان و چگونگی برداشتن این مصوبه توضیحی نداد. وی موضوع دانشجویان ستاره‌دار را به مثابه یک ابزار تبلیغاتی برای فشار به دولت احمدی‌نژاد و جمع‌آوری رای در ایام انتخابات دانسته و معتقد بود که تشخیص این که دانشجوی مشکل سیاسی، امنیتی و قضایی دارد، با دانشگاه نیست، بلکه این مراجع ذی صلاح هستند که در مورد دانشجوی اظهار نظر می‌کنند و وزارت علوم صرفاً اعلام‌کننده نتایج استعلام است.

وزیر علوم دولت دهم در متن‌ها دانشجویان ستاره‌دار را به عنوان دانشجویانی که دارای مشکل امنیتی هستند، تصویر سازی می‌کرد و معتقد بود که دانشجویان ستاره‌دار کسانی بودند که مشکل سیاسی، امنیتی، قضایی و آموزشی داشتند و به همین دلیل در اعلام نتایج در جلوی اسم آنها و با هدف اشاره به وضعیت پرونده شان از ستاره استفاده شده است.

### ۵-۳-۱- متن‌های انتخابی ستاره‌دار کردن

هفت متن سخنرانی و مصاحبه کامران دانشجوی در مورد ستاره‌دار کردن دانشجویان از خبرگزاری‌ها انتخاب و تحلیل شده است (پیوست ۸). در این متون، واژگان ایجابی اشاره به این دارد که دانشجویان بدون ستاره دانشجویانی‌اند که مشکل آموزشی، امنیتی، سیاسی و قضایی ندارند و از سوی مراجع ذی صلاح برای ورود به تحصیلات تکمیلی تاییدیه دارند. این تاییدیه بیانگر آن است که این قبیل دانشجویان در مسیر فعالیت‌های براندازانه نبوده و مخالف نظام جمهوری اسلامی قلمداد نمی‌شوند. واژگان سلبی با گره زدن دانشجویان ستاره‌دار با انتخابات ۸۸ و وقایع پس از آن و رسانه‌هایی چون بی بی سی، کلید واژه‌های مقابله، براندازی، علیه نظام، صهیونیسم، مارکسیسم، لیبرالیسم، اومانیزم فضای امنیتی و سیاسی پیرامون آن‌ها را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، دانشجویان ستاره‌دار را بعنوان دانشجویانی معرفی می‌کند که بیش از آن که مشکل آموزشی داشته باشند، دارای مشکل قضایی و امنیتی هستند.

قطب بندی موجود در متن نیز به این تصویر سازی کمک می‌کند. دانشجویان ستاره‌دار در مقابل دانشجویان غیر ستاره‌دار به عنوان کسانی معرفی می‌شوند که مشکل دار هستند و از سوی مراجع ذی صلاح اعلام شده است که نمی‌توانند به دلیل همین مسائل و مشکلات، وارد مقاطع تحصیلات تکمیلی شوند. مشکل این قبیل دانشجویان هم متنوع و شامل مسائل آموزشی، سیاسی، امنیتی و قضایی است. فضای قطب بندی متن‌ها متأثر از فضای کشور سیاسی است و دوگانه‌های اصلاحات - دولت دهم، دولت اصلاحات - دولت احمدی‌نژاد، غرب -

ایران و مارکسیسم، لیبرالیسم، اومانیسم در مقابل اندیشه اسلامی اشاره به همین فضا دارد. این دوقطبی سازی‌ها در مخاطب این حس را به وجود می‌آورد که دانشجویان ستاره‌دار بیش از آن که دچار مشکلات آموزشی، باشند درگیر با مسائل امنیتی و سیاسی هستند و مفهوم سیاسی و امنیتی بودن برای ستاره‌های جلوی اسامی برخی از دانشجویان پر رنگ تر می‌شود.

در متن‌های پیش رو، با تصویر سازی منفی از بی بی سی، دوره اصلاحات، دولت اصلاحات و دانشجویان ستاره‌دار تلاش می‌شود نوعی رابطه این همانی بین این مفاهیم شکل بگیرد. به موازات این که نگرش متن نسبت به دانشجویان ستاره‌دار منفی است نسبت به مراجع ذی صلاح، کمیته انضباطی، حراست، سازمان سنجش و شورای عالی انقلاب فرهنگی و صحت و سلامت عملکرد آنها کاملاً مثبت است.

متن‌ها همچنین سیاسی شدن بحث دانشجویان ستاره‌دار را مستند به گزارش‌های خبری بی بی سی و رقابت‌های انتخاباتی ۱۳۸۸ می‌کند و زمانی این موضوع به اوج خود می‌رسد که وی احکام کمیته انضباطی برای مقابله با دانشجویان متعهد و حزب الهی در دوره اصلاحات را یادآور می‌شود.

پیش فرض‌های متن با تفاوت قائل شدن بین فعالیت سیاسی دانشجویی منتقدانه و براندازانه به قانونی بودن فرایند گزینش برای حضور در تحصیلات تکمیلی اشاره کرده و آن را امری الزامی و ضروری معرفی می‌کند. دانشجو با این پیش فرض که دانشگاه باید حامی نظام اسلامی و فعالیت سیاسی در دانشگاه‌ها باید مقوم نظام اسلامی باشد اذعان می‌دارد که علیرغم آن که گزینش جنبه سیاسی، امنیتی، قضایی و آموزشی دارد، ولی هیچ دانشجویی در دولت احمدی‌نژاد به خاطر مسائل سیاسی از دانشگاه اخراج نشده و استفاده از دانشجویان ستاره‌دار تبدیل به موضوعی برای فشار به دولت احمدی‌نژاد شده است.

نکته مهم متن آن است که وی دانشجویان ستاره‌دار را محصول دولت اصلاحات و نه دولت دهم معرفی می‌کند. دانشجو سپس با اذعان به گزینش و ستاره‌دار کردن برخی از دانشجویان براساس قانون مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، سیاسی بودن این موضوع از سوی دولت دهم نفی و در همان حال آن را مستمسکی برای مخالفان دولت به ویژه اصلاح طلبان و مسببان فتنه ۸۸ برای اعمال فشار به دولت معرفی می‌کند. در متن به ویژگی دانشجویان بدون ستاره با واژگان ایجابی یا مثبت اشاره و این قبیل دانشجویان را در زمره عناصر اصلی مبین تفکر اسلامی - فعالیت سیاسی - آبرو و متعهد و حزب الهی بودن معرفی می‌کند. و در عین حال حاوی یک بحث نظری پیرامون نقش گزینش در تحقق قانون است. تردیدی نیست که تمامی این مفاهیم در راستای ستاره‌دار بودن دانشجویان ترویج و تبلیغ می‌شوند.

در این بخش نقش قانون و مراجع ذیصلاح از طریق واژگان ایجابی تصویر می‌شود، اما واقعیت و مصادیق ستاره‌دار کردن دانشجویان با تصویر سازی منفی در قالب واژگانی سلبی بیان می‌گردد.

متن‌های مذکور، دگر خود را در توصیف شکل‌گیری دانشجویان ستاره‌دار در عملکرد دولت اصلاحات باز تولید می‌کند. در توصیف اصلاحات، آنها را عامل ناآرامی‌های سیاسی پس از انتخابات ۸۸ و فعالیت علیه ارزش‌های نظام معرفی می‌کند. بنابراین رشد آنها در محیط‌های دانشگاهی را به مفهوم آبرو ریزی و براندازی نظام قلمداد می‌کند. آن چه متن تلاش دارد به طور صریح القاء کند، خطر فتنه ۸۸ و ایادی آنها (دانشجویان ستاره‌دار) در دانشگاه‌ها برای نظام است. در نتیجه تلویحاً مجوز برخورد قضایی - امنیتی - انتظامی و محرومیت از تحصیل آنها را صادر می‌کند.

#### ۴-۵- بازنشستگی اساتید

اسلامی شدن دانشگاه یکی از شعارهای محوری دولت دهم در آموزش عالی بود. کامران دانشجو وزیر علوم، تحقیقات و فناوری با اعلام این که "مأموریت دارم دانشگاه اسلامی تحویل دهم" صلاحیت اساتید برای تدریس در دانشگاه را با تعیین موضع نسبت به ناآرامی‌های سیاسی پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ منوط و مشروط کرد. وی طی اظهار نظری به معرفی معیار خود برای اساتیدی که برای تدریس در دانشگاه صلاحیت دارند، پرداخت و گفت "ملاک من نیز راهپیمایی نهم دی ۸۸ است و اساتیدی که در این راهپیمایی شرکت نکرده‌اند، صلاحیت تدریس در دانشگاه نظام اسلامی را ندارد". راه پیمایی ۹ دی به تظاهرات ۹ دی ۱۳۸۸ که با فراخو آن شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، در واکنش به ناآرامی‌های سیاسی پس از انتخابات ریاست جمهوری در تاسوعا و عاشورای ۱۳۸۸ که توسط گروهی «هتک حرمت» خوانده شد، اشاره دارد. براساس این سخن می‌توان ادعا کرد که دانشجو بر این باور بود که هر کس در راهپیمایی ۹ دی حضور نداشته است صلاحیت تدریس ندارد ( پایگاه خبری-تحلیلی فرارو، ۱۶/۴/۱۳۹۰).

به نظر می‌رسد گفتمان اصول‌گرا برای پیش برد پروژه اسلامی شدن دانشگاه تلاش داشت تا اساتیدی که به زعم این گفتمان صلاحیت لازم برای تدریس و حضور در دانشگاه را ندارند، با استفاده از شرایط بازنشستگی از دانشگاه دور نماید. همان گونه که پیش از این گفته شد موضوع بازنشستگی استادان از نخستین تابستانی که زاهدی بر صندلی وزارت نشست آغاز شد. هرچند این بازنشستگی‌ها مطابق با آیین‌نامه استخدام اعضای هیات علمی هر دانشگاه انجام

می‌شد اما همین آیین‌نامه توضیح می‌دهد که اگر درجه علمی مشمولان، «استاد تمام» باشد، لازم است نظر گروه علمی درباره ادامه تدریس آن‌ها مد نظر قرار گیرد. رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی (احمدی نژاد) در تاریخ ۱۳۹۰/۰۴/۱۵ طی نامه‌ای به وزیر علوم، کامران دانشجو، بازنشستگی را یک امر غیر عالمانه دانسته و دستور توقف آن را می‌دهد. درست دو ماه بعد معاون وزیر علوم، تحقیقات و فناوری با صدور بخشنامه‌ای به دانشگاه‌ها از تصمیم‌های جدید دولت درباره بازنشستگی اعضای هیات علمی خبر می‌دهد (بخشنامه شماره ۱۵/۱۰۰۱۲۹-۱۳۹۰/۶/۱۵).

همه این اقدام‌ها نشان می‌داد که بحث بازنشستگی اساتید به عنوان یک موضوع مهم در سطح افکار عمومی مطرح بوده است و در عین حال به عنوان یکی از محورهای اصلی سیاست‌های وزارت علوم برای اسلامی شدن دانشگاه همچنان در دستور قرارداشت.

#### ۵-۴-۱- متن‌های انتخابی در مورد "بازنشستگی اساتید"

پنج متن سخنرانی و مصاحبه کامران دانشجو در مورد بازنشستگی اساتید از خبرگزاری‌ها انتخاب و تحلیل شده است (پیوست ۹). واژگان ایجابی متن‌ها تلاش دارد موضوع بازنشستگی را کاملاً قانونی و بر اساس آئین‌نامه‌ها و مقررات تصویب‌سازی کنید. همچنین علیرغم پررنگ بودن ماموریت اسلامی سازی دانشگاه‌ها در برنامه کامران دانشجو، در برخی متون به استثنای گفته‌ای که صلاحیت اساتید برای حضور و تدریس در دانشگاه به شرکت در راه‌پیمایی ۹ دی ماه ۱۳۸۸ گره خورده بحث اسلامی شدن مطرح نشده است. تاکید وزیر علوم در رویکرد ایجابی آن است که مبنای ماندگاری عضو هیات علمی در دانشگاه را رشد علمی و کارایی معرفی کند و عملاً به این موضوع رویکردی غیر سیاسی بدهد. به علاوه به شرایط انبساطی که با تدوین آئین نامه جدید ایجاد شده است، اشاره و فراهم آوردن آن شرایط را ناشی از تفکر انبساطی خود در برابر تفکر انقباضی دیگران معرفی می‌نماید.

واژگان سلبی یا منفی متعلق به اساتید و رسانه‌هایی است که ادعا دارند بازنشستگی‌ها خلاف قانون و سیاسی است. شیوه مواجهه کامران دانشجو با این اساتید، آن است که معترضین را کسانی معرفی کند که دچار رکود علمی‌اند یا در مخالفت انگیزه سیاسی دارند و با شلوغ بازی و نوشتن طومار پا را فراتر از قانون گذاشته و دست به جوسازی زده و رسانه‌های جو ساز نیز از آنها حمایت کرده و به دروغ پردازی پرداخته‌اند.

در بخش قطب بندی، متن‌های انتخابی، "دگر" خود را افراد و جریان‌های رسانه‌ای معرفی می‌کنند که با خلط حق و باطل و فضا سازی رسانه‌ای سعی دارند بازنشستگی را سیاسی کرده و جارو و جنجال به پا کنند.

و لذا جان مایه برنامه‌های خود را قانون مداری، تقید به عدالت و ایجاد وحدت رویه مبتنی بر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان شورای بالادستی بیان می‌کند. دانشجو همچنین ضمن اصرار بر عدم بازنشستگی اجباری اساتید مکرر و چند باره اعلام می‌کند اگر شورای عالی انقلاب فرهنگی هر مصوبه‌ای بدهد حتی اگر خارج از اعتقاد من باشد اجرا می‌کنم. گفتنی است دانشجو درایام بعد از دریافت نامه رئیس جمهور، تلاش محسوسی برای برجسته سازی شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان پشتوانه و تأیید کننده تصمیم‌های مدیریتی خود داشت. به نظر می‌رسد این تدبیر راه حلی است برای پاسخ گویی به برخی اعتراضات و دغدغه‌های مطرح شده بود.

اما همچنان جای طرح این پرسش خالی است که بر مبنای کدام قانون این حکم صادر شده است که اساتیدی که در راهپیمایی ۹ دی ۱۳۸۸ شرکت نکرده‌اند حق تدریس ندارند؟

#### ۵-۵- تغییر متون و سرفصل کتب درسی دانشگاه‌ها

تلاش گفتمان اصول گرای حاکم بر شورای عالی انقلاب فرهنگی و دولت دهم، برجسته سازی علوم انسانی در چارچوب مبانی اسلامی بود. این تأکید را می‌توان در اسناد بالادستی مصوب شورای عالی و دولت دهم به خوبی ردیابی کرد. یکی از اقدام‌های مهم شورای عالی انقلاب فرهنگی و دولت دهم در راستای اسلامی سازی دانشگاه‌ها تشکیل شورایی با عنوان شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی بود. این شورا براساس مصوبه جلسه ۶۵۰ مورخ ۱۳۸۸/۷/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی یعنی درست چند ماه بعد از آغاز فعالیت دولت دهم و در بحبوحه ناآرامی‌های سیاسی بعد از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری تشکیل شد. هدف از تشکیل این شورا براساس ماده ۱۰ بند ۱ ماده ۲ آئین نامه، ایجاد تحول پایدار در علوم انسانی به منظور طراحی، سازماندهی، برنامه‌ریزی، مدیریت و هدایت تحول علوم انسانی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و ابتدای علوم انسانی بر مبنای نظری جمهوری اسلامی و انسان شناسی اسلامی معرفی شده است. همچنین به استناد بندهای ۴ و ۱۰ ماده ۳ شرح وظایف و اختیارات، ماموریت شورا ضمن تدوین ضوابط لازم برای منطقی و متوازن ساختن کمیته پذیرش دانشجو، به ویژه در رشته‌های مهم علوم انسانی، تولید منابع علوم انسانی بود. با نگاه به ترکیب شورا به نظر می‌رسد تلاش شده است از ظرفیت موسسات مستقر در قم و وابسته به حوزه‌های علمیه بیشتر استفاده شود.

اسناد فوق به عنوان اسناد بالا دستی تکلیف وزارت علوم را کاملاً روشن کرده بود. به بیان دیگر شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی و وزارت علوم ماموریت یافتن تا براساس اولویت بندی به بازنگری و تغییر متون اقدام کنند. جهت گیری‌های گفتمان این دولت در خصوص



مقولاتی نظیر سکولار، استبداد و تک صدایی علوم انسانی غربی این است که اگر این مؤلفه‌ها در تقابل با علوم انسانی اسلامی قرار گیرند، محکوم به شکست هستند. مفهوم علوم انسانی مورد تأکید این دوره، ضمن این که باید متکی بر علوم اسلامی باشد، نباید ترجمه و تکرار متون متفکرین غربی باشد.

#### ۵-۱- متن‌های انتخابی در مورد "تغییر متون و سرفصل کتب درسی دانشگاه‌ها"

چهار متن شامل سخنرانی و مصاحبه در مورد تغییر متون و سرفصل کتب درسی دانشگاه‌ها از خبرگزاری‌ها انتخاب و تحلیل شده است (پیوست ۱۰) و ازگان ایجابی یا مثبت متن، اصالت را به بومی بودن و فرهنگ اسلامی- ایرانی می‌دهد. و ازگان سلبی یا منفی متن‌ها به نفی علوم انسانی غربی اهتمام دارد. همچنین متن دست به یک قطب بندی میان علوم انسانی غربی در مقابل علوم انسانی اسلامی/محتوای غربی در مقابل محتوای اسلامی/نظریات غربی در مقابل نظریات اسلامی/فرهنگ غربی در مقابل فرهنگ بومی می‌زند. در یک سوی این طیف دوگانه، دروس علوم انسانی با محتوای سکولاریسم در مقابل بازنگری در دروس و محتوای علوم انسانی غربی با اتکا به مبانی اسلامی قرار دارند. و از سوی دیگر وزیر علوم با اعلام آمادگی برای اجرایی سازی طرح تحول در علوم انسانی از عملکرد کند و سلانه سلانه شورای تحول در علوم انسانی گله کرده و بر ضرورت تسریع در امر تحول سخن به میان می‌آورد. لذا در واقع متن‌ها "دگر" خود را در وجود سکولارهای غربی و شورای عالی تحول در علوم انسانی تعریف کرده و از لحن اقناعی و قاطع و صفاتی چون سلانه سلانه استفاده می‌کند.

پیش فرض‌های متن، علوم انسانی مبتنی بر نظریات غربی را مفروض می‌داند. متن‌های انتخابی در پی تلقین و تداعی این معنا است که علوم انسانی در دانشگاه‌ها غربی است و با استفاده از منابع، مراجع و نظریات اسلامی نیاز به تحول و بازنگری دارد. آمادگی دولت دهم و وزارت علوم برای تغییر سرفصل دروس و متون و تحول در علوم انسانی برای مقابله با سکولاریسم را در نقطه مقابل عدم آمادگی شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای تحول در علوم انسانی برای ایجاد تغییر در متون و سرفصل دروس قرار داده و به صورت ضمنی و با استفاده از عبارت "سلانه سلانه" این شیوه مواجهه با بازنگری را مورد نقد تند و گزنده قرار می‌دهد.

بیشترین تأکید و تکرار در گفتمان دولت دهم بر و ازگان تغییر در علوم انسانی بود. لذا مشی و مرام و نیز مجموعه برنامه‌ها، عملکردها و اعتقادات وزیر علوم دولت دهم، بیشتر صرف تحقق دانشگاه بومی و اسلامی- ایرانی شد.

## ۶- نتیجه گیری

در مقاله به روایت حضور و پیروزی احمدی‌نژاد در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ در ذیل گفتمان "اصول‌گرایان" در چارچوب رقابت دو گفتمان مطرح سیاسی، یعنی گفتمان اصلاح‌طلبی و گفتمان اصول‌گرایی، پرداخته شد. با توجه به این که در این دوره انتخابات ریاست جمهوری، احمدی‌نژاد در ذیل گفتمان اصول‌گرایی قابل ارزیابی بود، می‌توان گفت که نگاه وی به عرصه آموزش عالی نیز بر گرفته شده از همین گفتمان بود. اسلامی کردن دانشگاه به عنوان مهم‌ترین مراکز فرهنگی جامعه همواره یکی از دغدغه‌های اصلی این گفتمان بوده است. تلاش برای تغییر و اصلاح متون درسی به ویژه در حوزه علوم انسانی بر اساس منبع‌های دینی و زیر نظر و نظارت علما، تصفیه استادان غیر مذهبی، کوشش برای جذب و تربیت استادان مذهبی همچنین تقویت نهادهای رسمی نماینده این گفتمان و قدرت شورای عالی انقلاب فرهنگی از جمله برنامه‌هایی است که در راستای اسلامی کردن دانشگاه‌ها در سیاست‌های فرهنگی برآمده از این گفتمان، در چارچوب سیاستگذاری فرهنگی بررسی شد. علاوه بر آن با ترسیم جایگاه این شورا در عرصه فرهنگی به تعیین نسبت آن با دولت‌ها و دولت‌نهم و دهم به عنوان محدوده زمانی مورد بررسی در مقاله پرداخته شد و سهم هر یک در فرایند تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها تعیین گردید. در نتیجه با تاکید بر ناسازگاری قابلیت دسترسی و قابلیت اعتبار می‌توان گفت روایت گفتمان دولت نهم و دهم با محوریت دال اسلامی شدن و رویکرد اجرایی و مدیریتی در چهار حوزه فضا، استاد، دانشجو و متون برای تحقق آن علیرغم قابلیت دسترسی؛ نتوانست در دانشگاه از اعتبار لازم برخوردار شود. در نتیجه می‌توان ادعا کرد که سیاستگذاری فرهنگی در آموزش عالی نباید با نظم گفتمان دانشگاهی حاکم بر میدان علم و نهاد دانشگاه ناسازگار باشد.

## منابع

### الف) منابع فارسی

- ۱- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱) «مقدمه‌ای بر روش سیاستگذاری فرهنگی» نشر جامعه‌شناسان
- ۲- جندقی، محسن (۱۳۹۲) «خداحافظی دانشجویان با ستاره!» تبیان
- ۳- حسینی‌زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۶) «نظم و روند تحول گفتار دموکراسی در ایران» تهران: انتشارات گام نو.
- ۴- رحمانی، جبار (۱۳۹۳) «سیاستگذاری فرهنگی و آموزش عالی (چالش‌ها و راهکارها)»، نشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- ۵- سلطانی، سید علی اصغر؛ تفضلی، بیژن؛ صدقی چوکائلو، رضا (۱۳۸۷) «تحلیل گفتمان سیاسی رسانه‌ها»، در فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۴۲.

- ۶- سعید، ادوارد (۱۳۷۹) «شرق شناسی» ترجمه عبدالرحیم گواهی، چاپ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۷- سمتی، محمد هادی (۱۳۷۷) « جنبش های اجتماعی و تحلیل گفتمانی از رفتار تا کنش جمعی » گفتمان، شماره ۲، پاییز ۱۱۷-۱۰۳.
- ۸- عبداللهی، محمد (۱۳۹۰) گفتمان شناسی جریان انحرافی (۱): سایت برهان ( سر دبیر سایت برهان)
- ۹- عضدانلو، حمید ( ۱۳۸۰ ) «گفتمان و جامعه» تهران: نشر نی.
- ۱۰- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹) «دانشگاه و آموزش عالی، منظرهای جهانی و مساله های ایرانی» تهران: نشرنی
- ۱۱- فرهنگ علوم سیاسی (۱۳۷۵) مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
- ۱۲- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹) «تحلیل انتقادی گفتمان» ترجمه پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها
- ۱۳- قجری، حسینعلی، جواد نظری (۱۳۹۲) «کاربرد تحلیل گفتمان» نشر قدیانی
- ۱۴- قورچیان، نادرقلی، حمیدرضا آراسته (۱۳۸۳) «دایرةالمعارف آموزش عالی (دوره دو جلدی) بنیاد دانشنامه فارسی»
- ۱۵- کسرائی، محمد سالار (۱۳۸۸) «نظریه گفتمان لاکلا و موف ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده های سیاسی»، سیاست، دوره ۳۹، ش ۳
- ۱۶- میر موسوی، سعید علی (۱۳۹۴) «موعود گرایسی سیاسی» پایگاه اطلاع رسانی مراجع شیعیه (مرجع ما) <http://www.marjaema.net/?p=30&id=3835>
- ۱۷- مهدی زاده، سعید محمد (۱۳۸۷) «رسانه ها و بازنمایی» نشر دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها
- ۱۸- هاشم زهی، نوروز، بهروز میرا (۱۳۹۲) «تحلیل مقایسه ای ارزشیابی دانشگاهیان ایران از برنامه های اسلامی سازی دانشگاه» دوره ۱، ش ۲
- ۱۹- هاشم زهی، نوروز، عباس خلجی، (۱۳۸۸) «بررسی تطبیقی رویکردهای نظری مبدعان اسلامی سازی دانشگاه در ایران» فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی،، سال سیزدهم شماره ۳/ شماره ۴۳

## سخنرانی و مصاحبه با خبرگزاری ها (رئیس جمهور و وزیر علوم دولت نهم و دهم)

۲۰- منابع سخنرانی ها و مصاحبه ها در دفتر مجله موجود است.

## ب) منابع انگلیسی

- 21- Becher, Tony and Paul R. Trowler (2001) *Academic Tribes and Territories. The society for Research in Higher Education. Second Edition. UK: open Iniversity. Bachingham*
- 22- Fairclough, N. (2003) *Analysing Discourse: Textual analysis for social research. London: Routledge*
- 23- Fairclough, N. (1995b) *Media Discourse, London: Edward Arnold*
- 24- *Interaction: Discourse Studies: A Multidisciplinary Introduction. Vol. 2. London: Sage.*
- 25- Howarth, David ( Norval, A & Stavrakakis, G ) (Discourse theory and political analysis, Manchester university press, (2000)
- 26- Resnik DB (1996) *social Epistemology and the Ethics of science studies in the history and Philosophy of science 27*
- 27- Laclau, E. (1990). *New Reflection on the Revolution of our time. London: verso.*
- 28- Laclau, E and Mouffe, C. (2001), *Hegemony and socialist strategy (London: Verso, second edition)*